

An Introduction to Ethnozoology with Examples of Ethnozoological Knowledge of Local Communities Adjacent to the Oshtoran-Kuh Protected Area in Lorestan Province

Leila liryaei *

PhD Candidate of planning and environmental design, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mohammad Avatefi Hemmat

Assistant Professor, Faculty of Natural Resources and Agriculture, University of Tehran, Tehran, Iran.

Ali Jahani

Associate Professor, Environment and Development Research Institute, Environmental Protection Organization, Tehran, Iran

Abstract

Ethnozoology is the study of the interactions between human groups and the domestic and wild animals around them. This knowledge includes the system of nomenclature for animals, describing human-animal interactions, identifying animal food habits, reproduction and habitats, animal diseases and treating, protecting humans from animal attacks, medicinal uses, food, ornamental, religious, and spiritual purposes, and finally is using this body of knowledge for conservation purposes. The aim of the article is to introduce ethnozoological knowledge in the area of indigenous knowledge research. This paper introduces ethnozoology as a subdivision of ethnobiology and elaborates it by using written Persian heritages such as pigeon lofts and manuscripts on the subject of falconry or BAZ-NAMAH, new domestic researches, and examples of international studies in the field of ethnozoology. Examples of the ethnozoological knowledge of the adjacent communities to the Oshtorankuh protected area, Lorestan Province, related to partridges, porcupines, and brown bears have been described. All three species are hunted by local communities. The gallbladder is a widely used organ of these species for various purposes including pain relief, disease treatment, and ritual and spiritual. The findings show that ethnozoological studies could assist wildlife management practices at the local level and illustrate causes of wildlife-human conflicts which help in wildlife conservation.


Keywords: Ethnozoology, Wild Life, Conservation Biology, Indigenous Knowledge, Sustainable Management

* Corresponding Author: leila.liryaei@gmail.com


How to Cite: Liriaei, L; Avatefi Hemmat, M; Jahani, A. (2022). An introduction to ethnozoology with examples of ethnozoological knowledge of local communities adjacent to the Oshtoran-Kuh protected area, *Semiannual Journal of Indigenous Knowledge Iran*, 8 (16), 297-342.

مقدمه‌ای بر قوم‌جانورشناسی به‌عنوان بخشی از دانش سنتی با نمونه‌هایی از دانش قوم‌جانورشناسی ساکنان منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه در استان لرستان


دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی و طراحی محیط دانشگاه
شهید بهشتی، تهران، ایران.

لیلا لیریائی* 

استادیار گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل، دانشکده
کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، ایران

محمد عوافی همت 

دانشیار پژوهشکده محیط‌زیست و توسعه پایدار، سازمان
حفاظت محیط‌زیست، تهران، ایران

علی جهانی 

چکیده

قوم‌جانورشناسی یا اتنوزولوژی مطالعه تعامل بین گروه‌های انسانی و جانوران اهلی و وحشی اطراف آن‌ها است. این دانش جنبه‌های نام‌گذاری و تشریح روابط انسان با جانوران، شناسایی عادت‌های غذایی، تولیدمثلی و زیستگاهی، دشمنان طبیعی، بیماری‌های جانوران و شیوه درمان آنها، محافظت انسان‌ها از خطر جانوران، استفاده‌های جانوران برای اهداف دارویی، غذایی، زینتی، مذهبی و روحانی انسان، شیوه‌های تعامل با جانوران برای اهداف حفاظتی و همانند آن‌ها است. روند نگران‌کننده کاهش تنوع زیستی، علاقه‌مندان به محیط‌زیست و زیست‌شناسان حفاظت را در جستجوی دلایل کاهش جمعیت‌های جانوران وحشی و انقراض آن‌ها و شیوه‌های حفاظت بهتر از جمعیت‌های جانوری در معرض خطر به مطالعه شیوه‌های تعامل ساکنان و همسایگان زیستگاه‌های جانوری با جمعیت‌های جانوری و تعارض‌های بین جانوران و انسان رهنمون شد تا از طریق یافته‌های خود بتوانند راهبردهای حفاظتی بهتری را با کمک اجتماعات محلی عملیاتی نمایند. هدف مقاله معرفی دانش قوم‌جانورشناسی در پهنه پژوهش‌های دانش بومی است. ابتدا دانش سنتی، اکولوژی قومی، زیست‌شناسی قومی و زمینه‌های خرد آن از جمله جانورشناسی قومی تشریح شده است و با مرور نمونه‌های کلاسیکی از میراث ایرانی همانند بازنامه و کبوترخانه و نمونه‌های جدیدی از پژوهش‌های بین‌المللی تلاش شده زمینه‌های پژوهشی مرتبط با جانورشناسی قومی معرفی گردد. در ادامه نمونه‌هایی از دانش قوم‌جانورشناسی ساکنان منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه در مورد خصوصیات زیستگاهی، عادت‌های لانه‌گزینی، غذایی و دشمنان گونه‌های جانوری کبک، تشی و خرس قهوه‌ای تشریح گردیده است. هر سه گونه توسط انسان شکار می‌شوند. کیسه صفرا از اجزای پرکاربرد این گونه‌ها است که با اهداف گوناگونی از جمله برای تسکین درد، درمان بیماری‌ها و باورها و اعتقادات مورد استفاده قرار می‌گیرد. یافته‌ها نشان می‌دهد آگاهی‌های قوم‌جانورشناسی می‌تواند مدیریت پایدار حیات وحش در سطح محلی را یاری نماید.

کلید واژه‌ها: اتونولوژی، حیات وحش، زیست‌شناسی حفاظت، دانش بومی، مدیریت پایدار

مقدمه

در سرآغاز تاریخ، انسان پیش از آنکه یکجانشین گردد و فنون کشاورزی را بیاموزد جمع‌آوری‌کننده غذا و شکارچی بود. در این شرایط بعضی از جانوران غذای انسان، برخی رقیب، بعضی دشمن و برخی نیز همراه او بوده‌اند. از این‌رو جانوران در طول تاریخ تعاملات بسیاری با انسان داشته‌اند. به همین دلیل آموخته‌ها و تجربیات انسان از جانوران به تدریج انباشته و به بخشی از فرهنگ جامعه انسانی تبدیل شده‌اند. انسان‌ها همواره جهان را با انواع مختلف حیوانات به اشتراک گذاشته و برای فهم آن‌ها تلاش کرده‌اند (Alves, 2012: 20). جانوران از دیرباز در تعامل با اجتماعات انسانی بوده و سده‌ها در امور مختلف زندگی، همانند حمل و نقل، کشاورزی، امنیت غذایی و جنگ‌ها به کار گرفته می‌شدند (عرفت پور، ۱۳۹۸: ۱۰). علاوه بر این محصولات مشتق شده از جانوران به عنوان زیورآلات، تزئینات و دکور (Alves and Albuquerque, 2017: 12). پوشاک، ابزار و نیز برای اهداف دارویی، جادویی (Alves, 2012: 30) و مذهبی مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Alves and Souto, 2015: 8).

با اهلی کردن حیوانات که می‌توان آن را نمونه‌ای عالی از اهمیت حیوانات در تاریخ بشر دانست؛ توانایی بشر برای سازگاری با محیط اطراف افزایش یافته، سپس با ارتزاق از گوشت، شیر و بهره‌گیری از پوست، استخوان و دیگر اعضای آن‌ها، حیوانات نقش بارزتری در ادامه حیات انسان ایفا کرده‌اند. در ابتدا انسان اعتقاد داشت گونه‌های خاصی از حیوانات، خصوصیات مهم را با انسان‌ها به اشتراک می‌گذارند، از این‌رو برخی حیوانات را مظهر قدرت و نشانه‌ای از شجاعت می‌دانسته، مثل شیر؛ برخی را حيله‌گر خطاب می‌کرد نظیر روباه و برخی دیگر را شرور می‌دانست. این تجارب به تدریج منجر به شکل گرفتن اعتقادات خاصی درباره حیوانات گردید. تجسم یافتن خدایان مختلف در هند، مصر، یونان و دیگر کشورها در قالب حیوانات خاص یا ترکیبی از چند حیوان، قویاً از این نگرش

حکایت می‌کند (پناهی، ۵۲:۱۳۸۲؛ ذیلابی و همکاران، ۱۹۲:۱۳۹۶؛ Alves and Souto, 2015: 5).

همه فرهنگ‌های بشری اسطوره دارند. بسیاری از این اسطوره‌ها ادغام و پیوند نزدیکی با حیوانات توتمی، اساطیری و خیالی یا خدایانی دارند که در اشکال حیوانی تجسم یافته و در طول تاریخ بشر حضور داشته‌اند. حیوانات از جهات مختلفی با مردم در ارتباط بوده و در تعریف نهادهای سلطنتی و هم‌چنین تحکیم کیهان‌شناسی‌های نوظهور سهیم بوده‌اند که انسان را به کرات آسمانی^۱، زمین و خدایان مرتبط می‌کردند. علاوه بر این بسیاری از داستان‌ها، اسطوره‌ها و ضرب‌المثل‌ها که از روابط و تعامل میان انسان و حیوانات ایجاد شده، از طریق شفاهی و سینه‌به‌سینه در میان نسل‌ها منتقل شده و بر نحوه ارتباط انسان‌ها با حیوانات تاثیر گذاشته است (Alves, 2012: 30).

با گذشت سالیان و از طریق همزیستی بشر با سایر اجزای بوم‌سازگان‌های طبیعی و از خلال مشاهدات، دانسته‌هایی از ویژگی‌های طبیعی، نیازهای غذایی و زیستگاهی، رفتارها و عادت‌های تولیدمثلی، خواص مفید غذایی، دارویی و زینتی، اثرات مضر برای سایر جانداران و به‌ویژه انسان، تداخل زیستی و مانند آن‌ها انباشته گردیده، آزمون شده و به‌صورت پیوسته مورد اصلاح واقع شده که برای پایداری زندگی بشر و بوم‌سازگان‌های محل زیست او ضروری است. این دانش انباشته، کارایی بالایی در اداره اکوسیستم‌های طبیعی و تأمین نیازهای مردم محلی دارد و به‌سادگی در دسترس است (عواطفی همت و شامخی، ۱۵۰:۱۳۸۵). به همین ترتیب در میان اقوام گوناگون سراسر جهان روش‌های مشخصی برای تعامل با جانوران ایجاد شده و تکامل یافته است.

در هر فرهنگ باستانی، مردم دانش مفیدی در مورد حیوانات و زیست‌گاه‌های آن‌ها، ویژگی‌ها، رفتارها، عادت‌ها و خواص آن‌ها به ثبت رسانده‌اند (Alves and Souto, 2015: 6)؛ این دانش را در اصطلاح جانورشناسی قومی^۲ می‌نامند. در قوم جانورشناسی، شناسایی

1. celestial orbs
2. ethnozoology

جانوران، عادات و رفتار زیستگاهی، غذایی و تولیدمثلی آنها، ویژگی‌ها و کارکردهای آنها یا برخی اندام‌های آنها برای انسان یا سایر موجودات، رابطه انسان و جانور، طبقه‌بندی فرهنگی جانوران، اسطوره‌ها، اساطیر و افسانه‌ها، باورها، آیین‌ها، ادیان، نمادپردازی جانوری و مطالبی از این دست مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در واقع قوم جانورشناسی مجموعه‌ای از دیدگاه‌های مربوط به روابط بین جوامع انسانی و جانوران وحشی و اهلی را تحت پوشش قرار می‌دهد. این زمینه از دانش سنتی شیوه‌های گوناگون به کارگیری حیوانات تا معرفی، توصیف و تشریح آن‌ها را شامل می‌شود (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۰).

علاقه‌مندان به تحولات اجتماعی و پایداری محیط‌زیست و اکوسیستم‌های طبیعی سال‌ها است متوجه اجتماعات محلی و بومیان جهان شده‌اند و شیوه‌های زیست و تعامل آنها با سایر اجزای طبیعت را مورد بررسی قرار می‌دهند تا الگویی برای زیست متعادل انسان در عصر جدید ارائه نمایند که تنها بر پایهٔ بیشینه کردن منافع فردی و حداکثر بهره‌جویی از طبیعت استوار نباشد بلکه در کنار تأمین نیازهای انسان، تنوع و پایداری را نیز مورد توجه قرار دهد. جوامع محلی گنجینه عظیمی از دانش و تجربه محلی و بومی را در اختیار دارند. اجتماعات بومی برای ادامه حیات خود به مقدار زیادی به منابع محیطی اطراف خود وابسته‌اند و برای فراهم نمودن کیفیت پایدار زندگی از منابع موجود در محیط‌زیست خود که شامل گیاهان و حیوانات می‌باشند استفاده معقول می‌کنند (فرهادی، ۲۰۱۳۹۳).

بر این اساس در رابطه با چگونگی استفاده جوامع محلی از گیاهان و آگاهی از دانشی که آن‌ها درباره گیاهان دارند؛ تحقیقات زیادی در کشور ما صورت گرفته که در نهایت به شناخت قابل قبولی از روابط اجتماعات محلی با رستنی‌های محیط زندگی آنان منجر شده است. این دانش به دست آمده را اتنوبوتانی^۱ یا قوم گیاه‌شناسی می‌نامند. به‌طور کلی اتنوزئولوژی و اتنوبوتانی دو زیرشاخه از دانش اتنوبیولوژی^۲ یا زیست‌شناسی قومی هستند.

1. ethnobotany
2. ethnobiology

تحقیقاتی که تاکنون در کشور ما پیرامون اتنوزئولوژی انجام گرفته، عمدتاً به بررسی روابط متقابل حیوانات اهلی با جوامع انسانی و چگونگی مدیریت و بهره‌برداری آن‌ها پرداخته است. بنابراین کمتر پژوهش‌هایی به‌طور خاص با هدف شناخت افکار، روحيات و استفاده‌های گوناگون و به‌طور کلی دانش مردم محلی در خصوص جانوران وحشی پیرامون آن‌ها صورت گرفته است. بنابراین ضرورت دارد پیش از آن که زنان و مردان آگاه به دانش بومی را از دست دهیم و در نبود آن‌ها بر غفلت خود و حجم وسیعی از اطلاعاتی که در خاک نهفته است اشک بیاریم، به مطالعه و تحقیق در این زمینه پردازیم. ایران عزیز ما به‌واسطه دارا بودن اقوام و فرهنگ‌های گوناگون، گنجینه‌ای عظیم از دانش قوم جانورشناسی را در خود جای داده است که شناخت آن‌ها به آگاهی از روابط میان انسان و جانور در فرهنگ ایرانی منجر شده و ای‌بسا بتواند الگویی برای حفاظت بهتر و همزیستی با میراث زیستی و جانوری کشور باشد.

با توجه به آنچه به‌صورت مختصر بیان گردید هدف این پژوهش معرفی دانش اتنوزئولوژی یا قوم جانورشناسی است. دانشی که شاخه‌ای از اتنوبیولوژی بوده و برخلاف هم نوع دیگرش یعنی اتنوبوتانی کمتر شناخته شده است. با توجه به هدف این نوشتار در ادامه، ابتدا به معرفی دانش بومی و ویژگی‌های آن و توضیح و تشریح اتنوبیولوژی و زیرشاخه‌های آن خواهیم پرداخت و در پایان نمونه‌هایی از دانش قوم جانورشناسی ساکنان منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه مورد اشاره قرار می‌گیرد.

دانش بومی: مفهومی به قدمت بشریت

معنا و مفهوم دانش بومی در زبان فارسی را می‌توان مجموعه اطلاعات و دانش مردم بیان کرد (صابری و کرمی دهکردی، ۱۳۹۳: ۱۹۰). برای معرفی دانش بومی واژه‌های گوناگونی به‌کاررفته که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: دانش قومی، دانش فنی بومی، دانش محلی، دانش سنتی (بوزرجمهری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۲)، دانش روستایی و علم مردمی (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۵۰)، اما اصطلاح دانش بومی بیش از همه به‌کار گرفته شده و

مقدمه‌ای بر قوم‌جانورشناسی به عنوان بخشی از دانش، ... لیبائی و همکاران | ۳۰۳

رایج‌تر است. دانش بومی مجموعه‌ای از بهترین، سودمندترین و سازگارترین شیوه‌های بهره‌برداری و زندگی در محیط خاص است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸:۵۵)، علاوه بر این یکی از انواع ارزان، قابل‌دسترس، مقرون‌به‌صرفه، پایدار و با حداقل ریسک برای مردم محلی است (صادقلو و عزیزی‌دمیرچیلو، ۱۳۹۴:۳۹۵).

در بیشتر کشورهای جهان سوم، دانش سنتی یک منبع فوق‌العاده مهم و پیچیده معرفتی است که کمتر مورد استفاده قرار گرفته است (جمعه پور، ۱۳۹۳:۵۵). دانش بومی عبارت است از: شیوه‌های یادگیری، فهم و نگرش به جهان که نتیجه سال‌ها تجربه و مسئله‌گشایی بر اساس مشاهده روندهای طبیعی، آموختن تجربی و آزمون‌وخطا در طبیعت جمع شده و تکامل یافته است. دانش بومی بسیار آهسته جمع می‌شود، اما آنچه باقی می‌ماند بارها در طول زمان آزمایش‌شده و صیقل‌خورده است. چنین دانشی شامل مشاهدات زیرکانه و دقیق در مورد پدیده‌های بی‌جان و جاندار همچون گیاهان، حیوانات، آب، خاک، نظام‌های طبقه‌بندی و قواعدی برای اداره و مدیریت آن‌ها است که کاملاً با اوضاع‌واحوال محلی مطابقت دارد و چون افراد محلی و خانواده‌های آنان نسل‌ها با آن زندگی کرده‌اند، دقیق و قابل‌پیش‌بینی است و از نظر حجم بسیار وسیع‌تر و گسترده‌تر از دانشی است که در ایستگاه‌های تحقیقاتی به وجود آمده است (صابری و کرمی‌دهکردی، ۱۳۹۴:۱۹۱؛ فرهادی، ۱۳۹۳:۲۱؛ امیری اردکانی و شاه ولی، ۱۳۸۳:۴۵).

دانش بومی برخاسته از متن جوامع بشری است که به تدریج در طول سالیان دراز به شکل شفاهی و به شیوه‌های گوناگون از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و حاصل آزمون‌وخطاهایی است که به صورت طبیعی به وجود آمده است (بارانی و شهرکی، ۱۳۹۳:۱۵۵). دانش بومی را می‌توان بخشی از سرمایه ملی هر قوم دانست که باورها، ارزش‌ها، روش‌ها و آگاهی‌های محلی و دانش اکولوژیک آن‌ها از محیط زندگی‌شان را در برمی‌گیرد و حاصل قرن‌ها تجربه در محیط طبیعی، اجتماعی و اقتصادی است (خالقی و همکاران، ۱۳۹۴:۲۱۱). به عبارت دیگر دانش بومی را می‌توان دانش به‌کارگیری منابع متناسب با شرایط اکولوژیک، فرهنگی و اجتماعی محیطی دانست که مردم محلی در جهت رفع نیازهای خود از آن بهره می‌گیرند (امیری اردکانی و شاه ولی، ۱۳۸۳:۴۷).

در دهه‌های اخیر، با غلبه الگوهای جهانی زیست بشر، افزایش شهرنشینی و رویکرد حداکثر انتفاع از طبیعت، گسترش ارتباطات و دسترسی به منابع مکتوب، دانش سنتی به دلیل شفاهی بودن سخت در معرض فرسایش و فراموشی است و هنوز هم گوشه‌های مبهم بسیاری در دانش بومی هر منطقه وجود دارد که باید به آن پرداخته شود. دانش بومی از حوزه جغرافیایی مشخصی سرچشمه می‌گیرد و به‌طور طبیعی تولید می‌شود (صادقلو و عزیزی دمیرچیلو، ۱۳۹۴:۳۹۷)، ضمن آن که همواره با دنیای خارج از حوزه جغرافیایی خود تعامل و تبادل داشته و به شکلی پویا و در قالب سیستمی خود را با تحولات و دگرگونی‌های بیرونی و درونی محیط سازگار نموده است (ابراهیمی و سلیمی کوچی، ۱۳۹۶:۴۲).

دانش بومی، دانشی است که مردم در یک جامعه یا فرهنگ خاص در طول زمان توسعه داده و تکامل می‌بخشند. دانش بومی کل‌نگر است (امیری اردکانی و شاه ولی، ۱۳۸۳:۴۸) اما این کل‌نگری نفی‌کننده جزئی‌نگری آن نیست. در دانش بومی شناسایی جهان از طریق رشته‌های ازهم‌گسیخته و یک‌بعدی آکادمیک، بی‌معنی است. از این منظر یکشی یا یک تجربه را نمی‌توان در انزوا از محیط اطرافش درک کرد. این دانش توسط حواس پنج‌گانه و نیروی الهام کسب می‌شود و به وحدت معلومات می‌انجامد، برخلاف دانش رسمی که سمعی و بصری و جزئی‌نگر است (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸:۵۶).

دانش بومی سیستمی است و راه را برای همکاری با طبیعت هموار می‌کند، یعنی از تعامل و هماهنگی انسان‌ها با محیط پیرامونشان به وجود می‌آید، به عبارتی تعامل و کنش مستقیم انسان با محیط‌زیستش باعث می‌شود که آنان در پاسخ به طبیعت و شرایط و موقعیت‌های انسانی در یک محیط و زمینه مشخص، نسبت به حقایق موجود، دانش بیشتری کسب کنند و آن را در طول نسل‌ها سینه‌به‌سینه منتقل نموده و با تجربه‌های بیشتر غنا بخشند (امیری اردکانی و شاه ولی، ۱۳۸۳:۴۸).

همچنین دانش بومی به دلیل منعطف بودن، حفظ تنوع زیستی، متکی بودن بر نیازها، مشارکتی بودن، حفظ تعادل محیط‌زیست، چندبعدی بودن، منطبق بودن بر فرهنگ مردم و

مقدمه‌ای بر قوم‌جانورشناسی به عنوان بخشی از دانش، ... لیریائی و همکاران | ۳۰۵

استفاده بهینه از منابع طبیعی می‌تواند در فرایند توسعه پایدار نقش مهمی ایفا کند (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۷؛ بازگیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۰). دانش بومی بر پایه تجربه، قابل‌فهم، ساده، قابل‌دسترس، کارآزموده و ارزان است، در طول زمان شکل گرفته و عمدتاً نامکتوب است (حیدری و سعیدی گراغانی، ۱۳۹۴: ۳۲۱)، اغلب به‌صورت روایی و با کمک زبان منتقل می‌شود و با استفاده مکرر در طول زمان، آزموده شده و با محیط و فرهنگ بومی سازگار شده است.

دانش سنتی از طریق روایت تجربه‌ها، قصه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، مراسم‌ها و آیین‌ها منتقل می‌شود. این دانش شامل تئوری‌ها، عقاید، فعالیت‌ها و فن‌آوری‌هایی است که تمام افراد در تمام زمان‌ها و مکان‌ها یا در زمان و مکان ویژه‌ای در اختیار دارند. دانش بومی، محلی و عملی است چون تنها راه فراگیری آن مشاهده نزدیک و پیروی از استاد است، از آنجا که در بطن محیط طبیعی و اجتماعی تکامل یافته است با شرایط بومی و محلی کاملاً سازگاری دارد، از این رو آن را محلی نیز می‌دانند. این دانش توصیفی نیست، یعنی نمی‌توان از یک برزگر، چوپان، مقنی و صنعتگر سنتی انتظار داشت دلیل کارایی روش‌های خود را به زبانی توضیح دهد که تحصیل کرده‌ها می‌فهمند (عمادی و عباسی، ۱۳۷۸: ۵۸). بلکه اغلب از طریق عمل و رفتار خاص دارندگانش و پیامد استفاده از آن در محیط اجتماعی-کولوژیکی قابل‌شناسایی است.

نکته مهمی که در مورد دانش بومی همواره می‌بایست به آن توجه داشت، تفاوت میان این دانش و خرافه است. دانش بومی به‌واسطه ویژگی‌هایی که در بالا برای آن ذکر کردیم در بسیاری از موارد با خرافه‌های گوناگون عجین گشته است. شناخت این تفاوت‌ها و تفکیک این دو مورد از یکدیگر نیازمند دقت از سوی پژوهشگر است. بنابراین هر محققى که در این زمینه ورود می‌کند باید با این نگاه وارد شود که همه آنچه به دست می‌آورد دانشی محلی و بومی نخواهد بود که در طول زمان راستی آزمایی شده، همچنین نباید با این دید ورود کند که همواره آنچه در طول پژوهش کسب می‌کند به‌طورقطع خرافه است. هدف نهایی یک پژوهشگر در چنین تحقیقاتی پی بردن به دانشی است که

امکان دارد در دل یک خرافه نهان گشته یا موردی که پوچ است و حاصل یک خرافه از سالیان دور می‌باشد. پژوهشگر دانش‌های بومی باید بداند مرز میان حقیقت و خرافه نزدیک و مبهم بوده، حتی گاهی می‌تواند منطبق بر یکدیگر باشند.

زیست‌شناسی قومی: مطالعه جهان زنده از دیدگاه مردم محلی

در اواخر قرن نوزدهم، طرفداران حکمت و فلسفه افلاطون، برخلاف دیدگاه دانشمندان طبیعی که در دانشگاه‌ها آموزش دیده بودند، شروع به استفاده از پیشوند قومی^۱ کردند، تا به روشی که مردم محلی، جهان و طبیعت را می‌نگرند جهان را مشاهده و مطالعه کنند. علاقه به دانش سنتی محیط‌زیستی در اوایل قرن بیستم به شدت ادامه یافت، تا این که در سال ۱۹۳۵ کاستر^۲ اصطلاح اتنوبیولوژی را ابداع کرد؛ که به عنوان مطالعه تعامل متقابل عینی و سمبولیک بین مردم و ارگانیسم‌های بیولوژیکی در محیط محلی آن‌ها تعریف شده است. واژه معادل این کلمه در فارسی زیست‌شناسی قومی است.

بسیاری از محققان بر این باورند که اتنوبیولوژی شامل زیر بخش‌های چندی همانند اتنوساینس^۳ (علم قومی)، اتنواکولوژی (بوم‌شناسی قومی)، اتنوبوتانی (گیاه‌شناسی قومی) و اتنوزئولوژی (جانورشناسی قومی) است. در واقع آن‌ها برای توصیف زمینه‌های نوظهور پژوهشی، که از مرزهای علوم طبیعی و علوم اجتماعی عبور کرده و به بیان امروزی میان‌رشته‌ای بودند از این اصطلاحات استفاده کردند. به عبارتی می‌توان گفت اتنوبوتانی، اتنوزئولوژی و اتنواکولوژی اصطلاحاتی جدید برای بیان شیوه‌های قدیمی شناخت مردم بومی و اجتماعات محلی از طبیعت، روابط میان اجزای آن و چگونگی تعامل با آن هستند (Martin, 2001: 322). این زمینه‌ها در طبقه‌بندی‌های مرسوم و تخصصی از علوم دانشگاهی همانند گیاه‌شناسی، جانورشناسی، بوم‌شناسی، معماری، زراعت، پزشکی، دام‌پزشکی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی نمی‌گنجد بلکه ترکیبی از آنها و میان‌رشته‌ای محسوب می‌شوند.

1. ethno
2. Castetter
3. ethnoscience

اصطلاح گیاه‌شناسی قومی یا اتنوبوتانی نخستین بار توسط گیاه‌شناس آمریکایی جان ویلیام هرشبرگ^۱ در سال ۱۸۹۵ استفاده شد. گیاه‌شناسی قومی علمی است که مشخص می‌کند اقوام مختلف چگونه از گیاهان برای غذا، محافظت، دارو، پوشاک، تزئین، حصار، هیزم، چوب، ابزار، مصالح ساختمانی و مراسم مذهبی استفاده می‌کنند. در واقع اتنوبوتانی مطالعه تعامل مستقیم بین انسان و گیاهان است. تعریف اتنوبوتانی را می‌توان در چهار کلمه خلاصه کرد، انسان، گیاهان، برهم‌کنش‌ها، و استفاده از آن‌ها (Rahman et al., 2019: 385).

بوم‌شناسی قومی یا اتنواکولوژی به‌طور معمول به‌عنوان مطالعه دانش محلی و مدیریت تعاملات محیط‌زیستی تعریف می‌شود. اخیراً برخی از محققان تعریف دیگری را پیشنهاد داده‌اند؛ اتنواکولوژی عبارت است از، یک زمینه نوظهور که بر ادراک افراد محلی و مدیریت روابط پیچیده و یکپارچه بین مؤلفه‌های فرهنگی، محیط‌زیستی، اقتصادی و اکوسیستم‌های انسانی و طبیعی متمرکز است. در اتنوساینس می‌توان به‌تفصیل، دانش گروه‌های بومی و مردم محلی از ارگانسیم‌های بیولوژیکی و محیط فیزیکی را ثبت کرد. در فرانسه به‌طور کلی از این اصطلاح برای اشاره به مطالعات اتنوبیولوژیک استفاده می‌شود (Martin, 2001: 323).

جانورشناسی قومی: تعامل انسان و جانوران

مانند بسیاری از رشته‌های علمی دیگر، منشأ اتنوزئولوژی با طبیعت‌شناسان و کاشفانی مرتبط است که از قرن شانزدهم در سراسر جهان پراکنده شدند. به همین ترتیب، برخی از اولین اسناد اتنوزئولوژی شامل آثار طبیعت‌گرایانی است که علاقه‌مند به جانوران و همچنین دانش جانورشناسی ساکنان بومی بوده‌اند. این طبیعت‌گرایان به‌طور کلی لیستی از حیوانات بومی را به همراه نام‌های منطقه‌ای و علمی و توضیحات مربوط به کاربردهایشان گردآوری می‌کردند (Sillitoe, 2006:125).

1. John William Hershberg

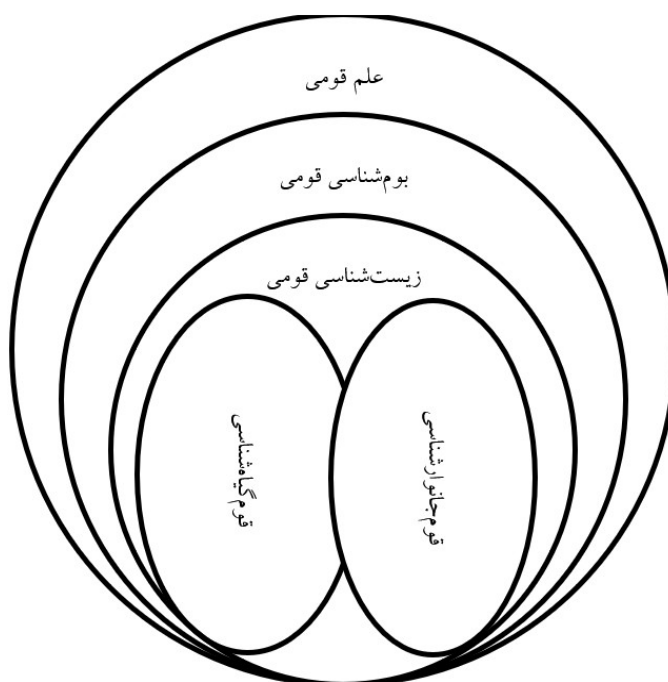
اطلاعات مربوط به استفاده از حیوانات توسط جمعیت‌های بومی در جهان جدید از زمان اولین سفر کلمب^۱ جمع‌آوری شده است. مثل آثار داروین^۲، والاس^۳ و لینه^۴. همان‌طور که اشاره گردید جانورشناسی قومی از حوزه زیست‌شناسی قومی پدید آمده است و می‌کوشد درک کند چگونه اقوام مختلف در طول تاریخ با جانوران تعامل و آن‌ها را درک کرده‌اند. اصطلاح اتنوزئولوژی، برای اولین بار در سال ۱۸۹۹ در مقاله‌ای توسط میسون^۵ با عنوان Zootechny ظاهر شد. سپس این اصطلاح تا دهه ۱۹۲۰ فراموش شد؛ تا این‌که هندرسون^۶ و هرینگتون^۷ (۱۹۱۴) اتنوزئولوژی را یک رشته معرفی کرده و از آن به‌عنوان مطالعه فرهنگ‌های انسانی و روابط آن‌ها با حیوانات در محیط‌های اطراف خود نام بردند (Alves and Albuquerque, 2018: 20).

تعاریف دیگر اصطلاح اتنوزئولوژی به‌تدریج و با گذشت زمان تصحیح شد. اوورال^۸ (۱۹۹۰) اتنوزئولوژی را مطالعه دانش انسان در مورد حیوانات و چگونگی استفاده از آن‌ها تعریف نمود. مارکس (۲۰۰۲) آن را به‌عنوان مطالعه افکار، احساسات و رفتارهای جمعیت بشر با گونه‌های حیوانات، در اکوسیستم‌های اطراف آن‌ها در نظر گرفت (Alves and Souto, 2015: 7). قوم‌جانورشناسی مطالعه روابط و تعامل مابین گروه‌های انسانی و جانوران اهلی و وحشی اطراف آن‌ها یا همان فون^۹ است.

این دانش جنبه‌های نام‌گذاری جانوران و تشریح روابط آن‌ها با سایر جانوران، شناسایی عادت‌های غذایی، تولیدمثلی و زیستگاهی آن‌ها، بیماری‌های جانوران و شیوه درمان آن‌ها و دور ماندن و محافظت در مقابل آن‌ها، استفاده‌های جانوران برای اهداف دارویی، غذایی، زینتی، مذهبی و روحانی انسان، شیوه‌های تعامل با جانوران برای اهداف

-
1. Columbus
 2. Darwin
 3. Wallace
 4. Linnaeus
 5. Masson
 6. Henderson
 7. Harrington
 8. overal
 9. fauna

حفاظتی و همانند آن‌ها است. این جنبه اخیر زیست‌شناسی قومی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. به این مفهوم که به دلیل روند نگران‌کننده کاهش تنوع زیستی، علاقه‌مندان به محیط‌زیست و زیست‌شناسان حفاظت در جستجوی دلایل کاهش جمعیت جانوران وحشی و انقراض آن‌ها و شیوه‌های حفاظت بهتر از جمعیت‌های جانوری در معرض خطر به مطالعه شیوه‌های تعامل ساکنان و همسایگان زیستگاه‌های جانوری با جمعیت‌های جانوری و گذرگاه‌های عبور و مرور و مهاجرت جانوران و تعارض‌های بین جمعیت‌های جانوران و انسان پرداخته‌اند تا از طریق نتایج یافته‌های خود بتوانند راهبردهای حفاظتی بهتری را با کمک اجتماعات محلی عملیاتی نمایند (Alves and Albuquerque, 2018: 30).

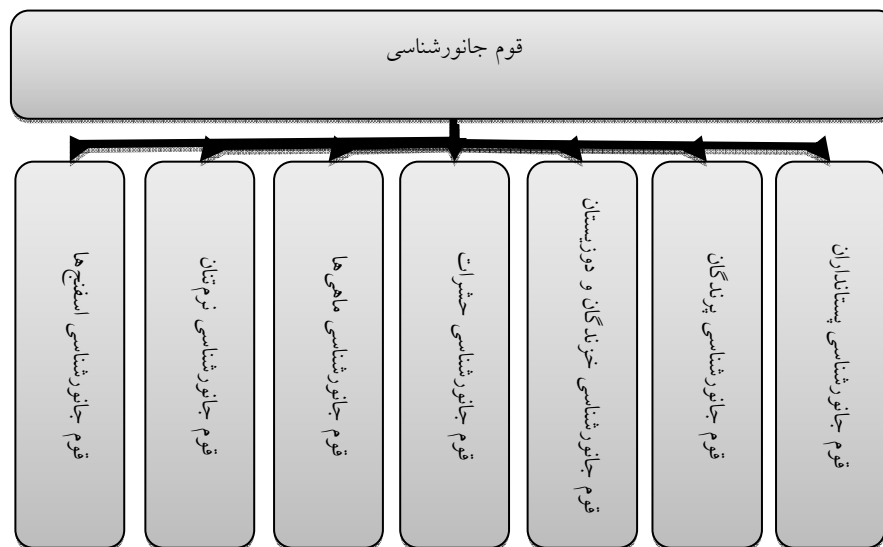


شکل ۱- جایگاه قوم جانورشناسی در میان انواع دانش‌های بومی (منبع، نگارندگان)

دانش جانورشناسی سنتی در همه فرهنگ‌ها وجود دارد و ناشی از روابط مادی یا معنوی بین انسان‌ها و جانوران وحشی و اهلی یک منطقه است. اطلاعات قوم‌شناسی به سؤالات تحقیقاتی درباره جانورشناسی مربوط به طبقه‌بندی، موجودی‌ها و توزیع جغرافیایی حیوانات، کشف گونه‌های جدید و رویکردهای حفاظتی کمک کرده است. مطالعات قوم‌جانورشناسی می‌تواند به جوامع صنعتی و غیر صنعتی و همچنین جمعیت سنتی یا غیر سنتی در مناطق روستایی یا شهری متمرکز شود.

به طور مثال مریان حیوانات مورد مطالعه قرار می‌گیرند، افرادی که گاو، خوک و حیوانات دیگر را پرورش می‌دهند، پرورش‌دهندگان سگ و بسیاری از حیوانات خانگی دیگر؛ شکارچیان؛ و پرورش‌دهندگانی که از حیوانات برای اهداف ورزشی و شرط‌بندی استفاده می‌کنند. مطالعه دانش جانورشناسی محلی نه تنها امکان بینش جدید در مورد پدیده‌های بیولوژیکی را فراهم می‌کند، بلکه فرصتی برای بررسی دقیق فرضیه‌های علمی نیز به دست می‌دهد.

به‌طور کلی قوم‌جانورشناسی دارای هفت شاخه با عنوان قوم‌جانورشناسی پستانداران، قوم‌جانورشناسی پرندگان، قوم‌جانورشناسی خزندگان و دوزیستان، قوم‌جانورشناسی حشرات، قوم‌جانورشناسی ماهی‌ها، قوم‌جانورشناسی نرم‌تنان و قوم‌جانورشناسی اسفنج‌ها است. هر یک از این شاخه‌ها می‌تواند دارای دو یا چند زیرشاخه باشد؛ به طور مثال شاخه پستانداران می‌تواند به زیرشاخه‌های متعددی همچون قوم‌جانورشناسی نخستی‌ها و قوم‌جانورشناسی نشخوارکنندگان، قوم‌جانورشناسی جوندگان و مانند آن‌ها تقسیم شود. هم‌چنین شاخه حشرات، خود دارای زیرشاخه‌های متعددی همانند پروانه‌ها، زنبورها و مانند آنها است (Alves and Albuquerque, 2018: 35). زیرشاخه‌های قوم‌جانورشناسی در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲- قوم جانورشناسی و زیرشاخه‌های آن (منبع، نگارندگان)

نمونه‌هایی از جانورشناسی قومی در کشور ما و سایر نقاط جهان

استفاده از جانوران وحشی همانند یوز و باز و قوش از علایق شاهان و اشراف‌زادگان ایرانی در قرون گذشته بوده و بازنامه‌ها، شکارنامه‌ها و صیدنامه‌های گوناگون از میراث‌های مکتوب فارسی هستند. به‌عنوان مثال بازنامه ابوالحسن علی ابن احمد نسوی از دانشمندان قرن پنجم و از شاگردان ابن‌سینا، در توصیف انواع پرندگان شکاری مانند عقاب، شاهین، طغزل و چرخ، چگونگی گرفتن، پرورش، تربیت و نگهداری و فراهم کردن وسایل آسایش آنها، شیوه‌های شکار با آنها، بیماری‌هایی آنها و نشان و درمان آن بیماری‌ها، زخم‌ها و تیمار آنها و نیز مطالبی در ارتباط با سایر حیوانات شکاری همچون یوز، سیاه‌گوش، راسو و سگان شکاری است. نویسنده علاوه بر تجربیات شخصی خود از دانش مرتبط با پرندگان شکاری در دربار پادشاهان غزنوی، دیلمیان و آل‌بویه و نیز در میان مردم خراسان و عراق و طبرستان استفاده کرده است (نسوی، ۱۳۵۴: ۴۰).

یکی دیگر از آثار مکتوب در کشور ما پیرامون جانوران وحشی، مجموعه خاطرات سلطان مسعود میرزا ملقب به ظل‌السلطان است. سلطان مسعود میرزا فرزند ناصرالدین‌شاه قاجار و در طول زندگی خود حاکم چند ایالت ایران همانند مازندران، فارس، کرمانشاه و اصفهان آن زمان بوده است. نویسنده کتاب را در شش باب تنظیم و تحریر نموده است. در واقع این کتاب به تشریح سفرهای سلطان مسعود به مازندران و استرآباد، فارس، اصفهان، عراق^۱، لرستان و بروجرد و فرنگستان می‌پردازد. ظل‌السلطان در باب ششم از کتاب خود که به شرح سفر و شکارهای انجام‌شده در منطقه لرستان و بروجرد پرداخته است چنین می‌نویسد:

"خاک لرستان به‌عین خاک فارس است، هیچ تفاوت ندارد. همان قسم جنگل و همان قسم چمن و همان قسم زمینش حاصلخیز، بلکه به سلیقه و عقیده من بهتر از فارس است و حاصلخیزتر. اگرچه کوچک‌تر از فارس است. در صورتی که توجه نمایند لرستان با کوچکیش بیش از فارس مداخل داشته باشد و قابل آبادی باشد و زودتر آباد می‌شود. چه در اینجا چندین شط و رودخانه‌های عظیم است که به اندک مرمتی به کارون وصل می‌شوند."

او در قسمتی دیگر از کتاب خود در ارتباط با شکارهای انجام‌شده در منطقه لرستان چنین می‌نویسد:

"من مردی هستم شکارچی و لرستان را قبول نکردم فقط محض شکارش."
همچنین او می‌نویسد:

"در شاهان کوه لرستان به‌قدر هزار شکار از قبیله قوچ، میش، بز، پازن، خرس زیاد، گراز زیاد شکار شد. دو مرال شکار کردم. یکی از آن‌ها شاخی داشت که تمام لرها می‌گفتند چنین مرال بزرگی ندیده‌ایم."

۱. منظور از عراق در کتاب خاطرات ظل‌السلطان استان‌های غربی کشور اعم از کرمانشاه، همدان، لرستان، اصفهان و استان مرکزی است.

ظل‌السلطان می‌نویسد بعدها که عمارتم در تهران طعمه آتش شد برای هیچ‌یک از وسیله‌های موجود در آن و خود عمارت به‌اندازه آن شاخ ناراحت و غمگین نبودم. همچنین او در قسمتی از یادداشت‌های خود اشاره می‌کند،

"سفر چگنی^۱ ما هم بعد از شکار دو سه هزار دراج و گراز زیاد که در این ناحیه به‌قدر مور و ملخ دارد به پایان رسید."

به هر صورت راوی خود را شکارچی می‌داند و در جای‌جای کتاب در مورد حیات وحش مناطق مختلف ایران، شیوه‌های شکار توسط شاهرزادگان و مردم عادی، شیوه‌های دفع جانورانی که به‌صورت آفت مزارع درمی‌آیند، برآوردهایی از جمعیت حیات وحش، عادات و رفتار جانوران، زیستگاه آن‌ها، دشمنان طبیعی، زمان زادآوری و غیره نقل می‌کند (ظل‌السلطان، ۱۳۶۸: ۷۰). به نظر می‌رسد منبع راوی، مشاهدات شخصی و تجربیات شکار، شنیده‌های او از دیگران و برخی باورهای عامیانه است و گاهی اغراق‌هایی دیده می‌شود.

از دیگر منابع معتبر قوم جانورشناسی در کشور ما، کتاب فرهنگ نام‌های پرندگان محمد مکرری است که نویسنده آن کوشیده است ضمن تطبیق نام‌های پرندگان اغلب وحشی و گاهی اهلی، در لهجه‌های مختلف ایرانی و گاهی کشورهای همسایه، برای هر پرنده توصیف‌های ظاهری همانند اندازه، رنگ و عادت‌های زیستی همانند تغذیه، محل زندگی، مهاجرت، باورهای عامه و افسانه‌ها را گردآوری نماید. به نظر می‌رسد منبع مذکور بر اساس پرندگان موجود در مناطق کردنشین غرب ایران تنظیم گشته اما مؤلف کوشیده است ضمن تطبیق نام‌ها، عادات و ویژگی‌های پرندگان، باورهای عامه سایر مناطق ایران را نیز اضافه نماید. همچنان که گاهی روش‌های تربیت و اهلی کردن پرندگان وحشی و به‌خصوص پرندگان شکاری و مطالبی در مورد بیماری‌های پرندگان و شیوه درمان آن‌ها ارائه داده است (مکرری، ۱۳۶۱: ۳۰).

۱. هم‌اکنون نام یکی از شهرستان‌های استان لرستان است.

محمد بهمن بیگی در کتاب خود تحت عنوان بخارای من ایل من، داستان‌هایی از زندگی باشندگان ایل قشقایی ذکر می‌کند. نویسنده در این کتاب اشاره‌ای به اهمیت حیوانات و نفوذ آن‌ها در زندگی ایل قشقایی می‌کند. برخی از این نمونه‌ها را در زیر ارائه خواهیم داد. نویسنده اشاره می‌کند در ایل قشقایی در میان آن همه انسان‌ها و حیوانات اهلی، اسب‌ها تنها حیواناتی بودند که شناسنامه و اوراق هویت داشتند یعنی تبار، نژاد، سوابق خانواده و اسم و رسم پدر و مادرشان مشخص بود و به خاطر سپرده می‌شد.

با توجه به اهمیت اسب در فرهنگ ایل قشقایی برای یزم و رزم، ورود این حیوان به افسانه‌ها و اساطیر امری طبیعی است. در اساطیر قشقایی اسب را حیوان نجیب و پاکی معرفی می‌کنند و به همین دلیل ذکر می‌کنند اجنه و شیاطین و آل از شیبه اسب هراس دارند. به همین دلیل اطراف زنان زائو و نوزادان تازه متولد شده اسب نگهداری می‌کردند. همچنین در یکی از بخش‌های کتاب، نویسنده ذکر می‌کند در ایل برخورد با روباه آن‌هم در آغاز سفر علامت فتح و اقبال است (بهمن بیگی، ۱۳۸۹: ۴۵).

یکی دیگر از موارد درخشانی که در فرهنگ تولیدی ایرانی در مورد روابط انسان و حیوان می‌توان به آن اشاره نمود کبوترخانه‌های ایران است. به باور بسیاری صاحب‌نظران، کبوترخانه‌های ایران پس از کاریزها، مهم‌ترین تأسیسات کشاورزی ایران در چند قرن گذشته به شمار می‌روند. کبوترخانه‌ها از نظر شمار، وسعت، عظمت، پیچیدگی، نحوه ساخت و ویژگی‌های معماری در جهان بی‌نظیرند. در ساخت بناهای کبوترخانه از علوم و فنون بسیاری همانند ریاضی، هندسه، فیزیک، جانورشناسی و روان‌شناسی جانوری و آب و هواشناسی استفاده شده است. این بناهای شگفت‌آور، کارخانه ساخت مرغوب‌ترین انواع کود کشاورزی محسوب می‌شده‌اند.

کبوترخانه همانند یک دژ نظامی باید در برابر همه دشمنان کبوتر اعم از پرنده و خزنده و انسان که تعداد آن‌ها کم هم نیست، مقاوم و نفوذناپذیر باشد، این نفوذناپذیری نه تنها باید قوش، قرقی، جغد، کلاغ، گربه و روباه و تا حدی آدمیزاد را در برگیرد، بلکه مار و موش را نیز شامل می‌گردد تا کبوتران به‌عنوان ساکنان اصلی آسایش و امنیت داشته

باشند. به‌طور کلی به هنگام احداث کبوترخانه‌ها، افزون بر مسئله تأمین امنیت و آرامش کبوتران که بالاترین اهمیت را داشته، به نیازمندی‌ها و آسایش و رفاه آن‌ها نیز بسیار توجه شده است. بنابراین در معماری این بناها، محافظت پرنده از سرما و گرما و باد و نور مورد توجه بوده است. کبوترخانه‌های ایران از جنبه‌های گوناگون تاریخی، علمی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، هنری و معماری اهمیت فراوان دارند (فرهادی، ۱۳۷۳).

این سازه‌های بی‌نظیر نشان از شناخت دقیق جامعه ایرانی از حیوانات پیرامون خود دارد. شناخت کبوتر، عادت‌ها و نیازهای اولیه آن و محیط مناسب برای زیستن حیوان، در کنار شناخت دشمنان این پرنده و حفاظت حیوان از آنها و استفاده از تولیدات کبوتر از جمله فضولات به‌عنوان کود مرغوب برای حاصلخیزی زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها دانشی است که به‌سادگی و در مدت کوتاهی به دست نیامده است. این دانش و چگونگی کسب آن در طول زمان در حوزه اتنوزئولوژی جای می‌گیرد.

در میان منابع معتبر قوم‌جانورشناسی؛ توصیف بی‌نظیری از خروس‌بازی در بالی توسط گیرتز^۱ ارائه شده است که می‌توان آن را در سنت فکری توصیف فربه^۲ یا توصیف ستبر قرار داد. یکی از آداب سنتی و کهن در بالی واقع در کشور اندونزی، جنگ خروس است. در فرهنگ بالیایی جنگ خروس اهمیت ویژه‌ای دارد. اهمیت این مورد درست به اندازه جشن‌های ازدواج، آبیاری و کشاورزی است. جنگ خروس ترکیبی بی‌نظیر از احساسات، نبرد منزلت و نمایشی فلسفی از درون‌مایه فرهنگ بالیایی است.

خروس در زبان بالیایی معنا و مفهوم پهلوان، جنگجو، قهرمان، ماهر و همه‌فن‌حریف را تجلی می‌کند. مردان بالی صمیمیت بی‌نظیری با خروس‌های خود دارند. این صمیمیت اغراق نیست. چرا که آن‌ها وقت زیادی صرف مراقبت و نگهداری از خروس‌های خود می‌کنند. با رژیم‌های غذایی مختلف و مقوی آن‌ها را تغذیه می‌کنند. حتی آن‌ها را درون قفس‌های حصیری درون خانه نگهداری می‌کنند. باین‌وجود به‌طور مرتب آن‌ها را در

1. Clifford Geertz
2. thick description

معرض آفتاب قرار می‌دهند. قسمت اعظم صحبت‌های آن‌ها در مورد خروس‌هایی است که به طور مداوم آن‌ها را تیمار می‌کنند. اغراق نخواهد بود اگر بیان گردد فرهنگ بالیایی در اطراف میدان جنگ خروس تجلی یافته و شناخته می‌شود.

جنگ خروس نمادی از رویارویی خیر و شر، قدرت و ضعف، و انسان و حیوان در فرهنگ بالیایی است. برد و باخت در این میدان مبارزه پر مفهوم، برنده و بازنده هم دارد و هم ندارد. آن کس که مبارزه را واگذار می‌کند گاه چنان برآشفته می‌گردد که ممکن است به نفرین خدایان و تخریب آرامگاه خانوادگی خود اقدام کند. همچنین در فرهنگ بالیایی فرد یا خروس بازنده را نمادی برای معرفی دوزخ و فرد یا خروس برنده را نمادی برای معرفی بهشت می‌دانند.

جنگ خروس قوانین مخصوص به خود را دارد. این مبارزه در حلقه‌ای به مساحت تقریبی ۲۰۰ مترمربع انجام می‌شود. مدت‌زمان انجام این مسابقه حدود چهار ساعت است و تقریباً تا غروب آفتاب ادامه دارد. این فرایند شامل چندین مبارزه متفاوت بین خروس‌های مختلف است. نکته اینجا است که هیچ‌یک از مبارزه‌ها ارتباطی به یکدیگر ندارند. آماده کردن خروس‌ها برای انجام مبارزه با بستن تیغ‌هایی فولادی به پاهای آن‌ها انجام می‌گیرد. طول هر یک از این تیغ‌های فولادی حدود ۱۰ سانتی‌متر است. پس از مبارزه، صاحب خروس برنده پای مسلح شده خروس بازنده را به‌عنوان غنیمت می‌برد. البته به همین مورد اکتفا نمی‌شود و فرد برنده، خروس بازنده را به خانه برده تا از آن غذایی تهیه گردد.

اهمیت نگهداری از این تیغه‌ها نزد مردم بالی کمتر از اهمیت نگهداری خروس‌ها نیست. با توجه به این امر در خصوص نگهداری این ابزار، افسانه‌ها و خرافه‌هایی نیز وجود دارد. به طور مثال زنان نباید این تیغه‌ها را مشاهده کنند. همچنین مناسب‌ترین زمان برای تیز کردن تیغه‌ها زمانی است که آخر ماه قمری باشد و ماه در آسمان دیده نشود. از سوی دیگر در این فرهنگ هیچ‌یک از شکست‌ها و بردهایی که اتفاق می‌افتد بر جایگاه اجتماعی افراد و زندگی آن‌ها تأثیر مثبت یا منفی نمی‌گذارد. مدتی پس از پایان جنگ خروس در میدان نبرد، همه‌چیز به حالت عادی بازمی‌گردد. به‌طور کلی باید گفت بررسی

مقدمه‌ای بر قوم جانورشناسی به عنوان بخشی از دانش، ... لیریائی و همکاران | ۳۱۷

دقیق جنگ خروس در بالی خواننده را به فرهنگ بالیایی نزدیک می‌کند. روابط اجتماعی، رفتار با طبیعت و حیوانات و آیین‌ها از جمله مواردی است که می‌توان آن‌ها را در دل این مبارزه به‌ظاهر ساده جست‌وجو نمود (اقتباسی آزاد از خروس‌بازی در بالی، برگردان و تلخیص علایی، ۱۳۹۴).

در زیر برخی نمونه‌های تازه‌تر از پژوهش‌های جانورشناسی قومی مورد اشاره قرار می‌گیرند.

بارانی و شهرکی در پژوهشی که در سال ۱۳۹۳ منتشر شده است به بررسی شیوه سنتی شترداری و دانش بومی شترداران و ساربانان در مراتع شمال ایران در منطقه گمیشان با هدف شناخت اصطلاحات رایج آنها از شتر و شترداری پرداخته‌اند. در این پژوهش، اطلاعاتی در مورد تقویم سالانه شترداران، ترکیب سنی و جنسی گله‌های شتر، نشانه‌گذاری و نام‌گذاری شتران، عادات تغذیه‌ای، چراگاه گله شتر، تولیدات شتر، موارد مربوط به تولیدمثل و زایش شتر، استفاده‌های غذایی و درمانی از محصولات شتر، سایر دام‌های همراه گله شتر همانند اسب و سگ، قواعد حاکم بر کار ساربانان همانند تعامل مالکان با یکدیگر و قلمروهای شترداری ارائه شده است.

رایگانی در پژوهش خود (۱۳۹۷)، به بررسی جنبه‌های مردم‌شناختی مار در فرهنگ کهگیلویه و بویر احمد می‌پردازد. هدف از این پژوهش در واقع واکاوی چگونگی نگرش به یک موجود زنده در ارتباط با انسان در گذشته نزدیک و همچنین فرهنگ جاری ساکنان کهگیلویه و بویر احمد در ارتباط با مار است. این پژوهش نشان می‌دهد در فرهنگ این منطقه مار نه به‌عنوان بخشی از حیات جانوری بلکه به‌عنوان یک عنصر تأثیرگذار در روند زندگی انسانی مورد توجه است. مار از دیرباز جایگاه ویژه‌ای در نقشمایه‌ها و همچنین باورهای عامیانه مردمان این خطه داشته و این جانور در تمامی جنبه‌های زندگی مردمان کوچرو و یکجانشین منطقه نفوذ کرده است. این خزنده نزد مردمان این منطقه دارای نیرویی سحرآمیز است و می‌توان از آن مهره خوشبختی و پیروزی استحصال نمود و برای

پیشگویی بهره گرفت. در این فرهنگ از سوزاندن لاشه مار برای دور کردن و از بین بردن آفات محصولات گیاهی استفاده می‌شود.

دهاکال و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، پژوهش خود را با هدف کشف شیوه‌های اتنوزئولوژی جوامع بومی مناطق مختلف سیکیم^۲، هیمالیا انجام داده‌اند. طی این پژوهش آن‌ها ۵۹ گونه مورد استفاده در شیوه‌های سنتی قوم جانورشناسی توسط مردم بومی را به ثبت رساندند. بیشترین استفاده‌ها از سوی مردم محلی مربوط به پستانداران با ۵۸ درصد، سپس پرندگان با ۲۲ درصد می‌باشد. از ۷۱ درصد از گونه‌های شناسایی شده برای زئوتراپی^۳ و از ۲۹ درصد برای آداب و رسوم مذهبی استفاده می‌شود. ۶۴ درصد گونه‌ها نیز برای درمان بیش از یک بیماری مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ که روش عمده استفاده آن‌ها جوشاندن است. بیشترین بخش مورد استفاده جانوران در طب سنتی، گوشت آن‌ها است اما برای اهداف مذهبی بیشترین بخش مورد استفاده شاخ و موی جانوران می‌باشد. در پایان، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد زئوتراپی یک منبع بهداشتی اولیه و در دسترس برای مناطق روستایی است که به‌عنوان یک هویت برای فرهنگ منطقه در نظر گرفته می‌شود.

ویلیام و ویتینگ^۴ (۲۰۱۶)، در مطالعه خود در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی، به بررسی گونه‌های جانوری پرداختند که بیشترین استفاده را در طب سنتی آن منطقه داشتند. آن‌ها موفق به شناسایی ۵۲ گونه شده که ۳۰۱ استفاده در طب سنتی داشتند. بیشترین میزان استفاده برای به دست آوردن قدرت (غلبه بر ترس)، به دست آوردن جذابیت‌های عاشقانه، جلوگیری از بدشانسی و استفاده‌های دارویی بود. بیشترین استفاده دارویی به ترتیب برای رفع سردرد، مشکلات پوستی و تورم پاها بود. در میان گونه‌های جانوری نیز بیشترین استفاده از سوی مردم برای موارد گفته شده با ۴۲ درصد مربوط به پستانداران، پس از آن ۲۰ درصد برای خزندگان و هشت درصد برای پرندگان گزارش شده است.

-
1. Dhakal et al.
 2. Sikkim
 3. Zootherapy
 4. Williams and Whiting

واتس و توماس^۱ (۲۰۱۵)، در پژوهشی در تانزانیا، بیان می‌کنند در مجموع از ۴۲ گونه مختلف حیوانی شناسایی شده، در حدود ۳۰ ماده مختلف دارویی حاصل می‌آید که کاربرد آن‌ها برای توقف خونریزی ناشی از اختلالات تولیدمثل، آسم، فلج، زخم سل و دیگر باورهای مذهبی است. بر اساس این تحقیق، حیوانات مورد استفاده قبیله سوکوما^۲ در تانزانیا شامل ۲۲ پستاندار، هفت پرنده، چهار خزنده، پنج بندپا و چهار ماهی می‌باشند.

بوبو و همکاران^۳ (۲۰۱۴)، در مطالعه خود دانش بومی دو جامعه انسانی در جنوب غربی کامرون را در خصوص استفاده از ۵۱ گونه حیات وحش شناسایی شده، توسط مردم محلی جمع‌آوری کرده که ۵۰/۹ درصد درباره پستانداران، ۲۱/۶ درصد پرنده‌گان، ۱۵/۷ درصد خزنده‌گان، ۷/۸ درصد ماهی‌ها و ۳/۹ درصد بی‌مهرگان بود. این مطالعه نشان داد که حیات وحش نه تنها برای مصارف سنتی و دارویی بلکه برای اهداف معنوی^۴ نیز استفاده می‌شود. این محققان استفاده هر دو جامعه از حیوانات وحشی را شناسایی و اصلی‌ها را دسته‌بندی نمودند که عبارت‌اند از:

- استفاده پزشکی، تغذیه و فروش، ۴۱/۲ درصد
 - حیوانات اهلی و قطعاتی که به عنوان غنا و ثروت استفاده می‌شد، ۲۹/۲ درصد
 - استفاده در دکوراسیون و جواهرسازی، ۲۱/۹ درصد
 - استفاده‌های مذهبی و چندمنظوره، ۷/۸ درصد
- دملو و همکاران^۵ (۲۰۱۴)، با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته با سه گروه از جمعیت منطقه‌ای در برزیل که عبارت بودند از، نوجوانان (۱۲ تا ۱۹ سال)، بزرگسالان (۲۰ تا ۵۹ سال) و کهنسالان (بیش از ۶۰ سال) به مصاحبه پرداختند. در مجموع ۲۲۹ مصاحبه انجام داده، از این تعداد مصاحبه‌شونده ۱۱۷ نفر مرد و ۱۱۲ نفر زن بودند. بر اساس گروه

1. Vats and Thomas
2. Sukuma
3. Bobo et al.
4. Spiritual purposes
5. De Melo et al.

سنی، در مجموع با ۴۲ نوجوان، ۱۴۶ بزرگسال و ۴۱ کهنسال مصاحبه به عمل آمد. این پژوهش بر سه نوع کاربرد: غذا، کاربردهای باغ‌وحش درمانی^۱ و خرافه^۲، متمرکز بود. سؤالات به حیوانات وحشی محدود بودند و این موضوع مطرح بود که آیا این حیوانات نه تنها توسط مصاحبه‌شونده بلکه توسط هر فردی شکار و یا به‌عنوان غذا مورد استفاده قرار می‌گیرند. در مجموع ۳۲ گونه پستاندار به‌واسطه مصاحبه‌ها به ثبت رسید و کاربردهای پزشکی، غذایی و یا خرافی آن‌ها توصیف شد. از این تعداد ۲۴ مورد از گونه‌های وحشی بودند.

کاسترو^۳ (۲۰۱۴)، در پژوهش خود ۱۶۳ گونه جانوری که برای اهداف دارویی در طب سنتی مکزیکی مورد استفاده قرار می‌گیرند را شناسایی نمود. بیشترین موارد استفاده مربوط به پستانداران با ۴۹ درصد، پرندگان، ۴۸ درصد، خزندگان، ۴۱ درصد، حشرات ۲۲ درصد و ماهی‌ها سه درصد می‌باشد. بیشترین موارد استفاده نیز برای بیماری‌های التهابی، تنفسی و بیماری‌های مربوط به دستگاه گوارش بود.

مسی و روسکافت^۴ (۲۰۱۳)، تحقیقی با هدف بررسی دانش روستائیان از هشت گونه پرنده انتخاب‌شده، در روستاهای نزدیک به اکوسیستم پارک ملی سرنگتی^۵ در تانزانیا انجام دادند. این دو محقق از هشت گونه پرنده انتخاب‌شده عکس تهیه کردند تا عکس‌ها را به ساکنین روستاها نشان داده و از توانایی‌شان برای شناسایی گونه‌ها، نتیجه‌گیری‌های لازم را به عمل آورند، تقریباً همه پرندگان انتخاب‌شده، برای حداقل ۵۰ درصد پاسخ‌دهنده‌ها آشنا بودند. نتایج این تحقیق نشان داد اکثریت مردمی که مورد مصاحبه قرار گرفتند، تشخیص خوبی از پرندگان محلی داشتند، به‌طور کلی، ۵۶ درصد مردها قابلیت تشخیص عالی داشتند، در مقابل فقط ۲۴/۷ درصد از زن‌ها قابلیت تشخیص عالی دارند.

-
1. Zootherapeutic
 2. Superstition
 3. Castro
 4. Mmassy and Roskaft
 5. Serengeti national park

هم‌چنین تبار ماسای^۱ بهترین قابلیت تشخیص پرندگان را نشان دادند بعد از آن ایکوما^۲ و سونجو^۳ کمترین توانایی را برای تشخیص گونه‌های پرندگان دارا بودند.

اولیویرا و همکاران^۴ (۲۰۱۰)، در مطالعه‌ای در خصوص اتوزئولوژی در شهر ناتال^۵ برزیل ۲۳ گونه جانوری را شناسایی کردند که در بیماری‌های مربوط به گردش خون نظیر سگته مغزی، خونریزی، آدم^۶ و واریس مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

فریرا و همکاران^۷ (۲۰۰۹)، تعداد ۲۹ گونه جانوری با خاصیت درمانی در ایالت سیرا^۸، برزیل را شناسایی کردند. گونه‌های شناسایی شده برای درمان ۳۴ بیماری نظیر گلودرد، رفع التهاب و سرفه مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بیشترین گونه‌های مورد استفاده به ترتیب مربوط به پستانداران، حشرات، خزندگان و پرندگان می‌باشند. در پایان آن‌ها بیان می‌کنند، زئوتراپی یک گزینه مهم برای درمان بیماری‌ها در منطقه مورد مطالعه است.

فریرا و همکاران (۲۰۰۹)، تعداد ۳۱ گونه جانوری در دو شهر کراتو^۹ و جوازیرو دو نورتو^{۱۰} در ایالت سیرا، برزیل را شناسایی کردند. بیشترین گونه‌های مورد استفاده به ترتیب حشرات، پستانداران، ماهی‌ها، خزندگان و پرندگان بودند که برای درمان ۲۴ بیماری به‌ویژه روماتیسم، آسم و رفع التهابات مورد استفاده قرار می‌گرفتند.

کریم^{۱۱} (۲۰۰۷)، در مطالعه خود در بنگلادش به بررسی دانش بومی در رابطه با شناخت هشت گونه پرنده شاخص پرداخت. او از مصاحبه ساختاریافته با پرسش‌نامه برای حصول اطمینان از این‌که آیا پاسخ‌دهندگان می‌توانند به‌درستی هشت گونه پرنده را

-
1. Maasai
 2. Ikoma
 3. Sonjo
 4. Oliveira et al.
 5. Natal
 6. Edem
 7. Ferreira et al.
 8. Ceara
 9. Crato
 10. Juazeiro do norto
 11. Karim

شناسایی کنند استفاده نمود. او ابتدا اطلاعاتی درباره سن، جنسیت، مذهب و قومیت پاسخ‌دهندگان جمع‌آوری کرد، سپس مصاحبه‌های اصلی را با چهار نفر که درباره پرندگان، دانش بومی بسیار خوبی داشتند انجام داد تا اطلاعات اکولوژیکی دقیقی درباره گونه‌های شاخص موردنظر به دست آورد. انتخاب پاسخ‌دهنده‌های اصلی بر مبنای عملکرد آن‌ها در مصاحبه بر اساس پرسشنامه‌ای ساختاریافته انجام گرفت.

او اطلاعات دقیقی درباره مشخصه‌های پرندگان بر اساس دانش اکولوژیکی بومی مثل عادات رایج، رفتارهای لانه‌سازی و آشیانه‌گذاری، الگوهای تخم‌گذاری، ارزش‌های شاخص اکولوژیکی، اهمیت دینی و اخلاقی و اقتصادی و نام بومی به کار رفته از سوی هر گروه قومی برای هرگونه پرنده جمع‌آوری کرد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد افراد بومی با جنسیت‌ها، مذاهب، قومیت‌ها و سنین مختلف، نسبت به بیشتر گونه‌های شاخص پرنده از دانش خوبی برخوردار بودند، از طرفی عمدتاً پرندگان ارزشمند از نظر جوامع محلی، پرندگانی بودند که ارزش شکاری داشتند، البته برخی بومیان از ارزش اکولوژیکی این پرندگان آگاه بودند. با این حال به نظر می‌رسد که ارزش اکولوژیکی به‌عنوان یک شاخص مهم برای شناسایی این پرندگان محسوب نمی‌شود.

گاریبالدی و ترنر^۱ (۲۰۰۴)، در مطالعه خود به بررسی گونه‌های اصلی و محوری^۲ می‌پردازند که از نظر فرهنگی دارای اهمیت فراوانی هستند. در نتایج این تحقیق عنوان شده که این گونه‌ها اغلب در مراسم‌های بومیان به طور ویژه‌ای مشخص می‌شوند و می‌توانند نمادهای فرهنگی باشند. این دو محقق بیان می‌دارند بدون حضور این گونه‌های اساسی، فرهنگ جوامعی که از آن‌ها حمایت می‌کنند، کاملاً متفاوت خواهد بود، هم‌چنین عقیده دارند دانش جامع زیست‌شناسی قومی موجود در زمینه چنین گونه‌هایی می‌تواند به درک بهتر اکولوژیست‌ها و زیست‌شناسان حفاظت کمک کند.

1. Garibaldi and Turner
2. Keystone species

نمونه‌هایی از قوم جانورشناسی منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه

لرستان سرزمینی کوهستانی است و به‌جز چند دشت محدود، سراسر آن را کوه‌های زاگرس پوشانده است. منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه بخشی از حوزه آبخیز رودخانه دز و زیر حوزه‌های سبزه‌زار-سزار و تیره-ماربره است که آب‌های جاری منطقه را زهکشی نموده در نهایت به رودخانه کارون رسیده و در محل دهانه اروندرود به خلیج فارس تخلیه می‌شود (فراشی و همکاران، ۱۳۹۴:۴۴۴).

منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه با مساحت ۹۸ هزار و چهارصد هکتار در جنوب و جنوب شرقی شهرستان دورود و غرب شهرستان‌های ازنا و الیگودرز واقع شده است. این منطقه از سال ۱۳۴۰ و با نام قرق اختصاصی تیون شکار ممنوع اعلام شد. سپس از سال ۱۳۴۹ و با افزوده شدن عرصه‌های طبیعی مجاور به منطقه حفاظت‌شده ارتقا یافت. دریاچه گهر به‌عنوان یکی از دریاچه‌های آب شیرین کشور درون این منطقه قرار داد. حدود ۶۰۰ گونه گیاهی در منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه شناسایی و ثبت شده است که ۱۱ درصد آنها آندمیک و مختص همان منطقه هستند.

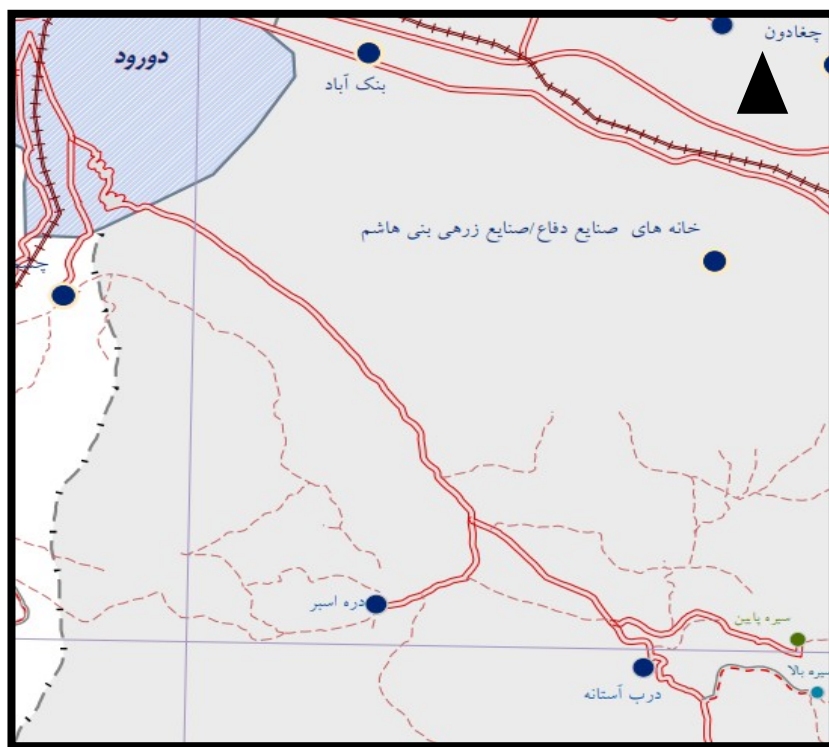
از جمله گیاهان این منطقه می‌توان به انواع بلوط، بنه، انجیر وحشی، گلابی وحشی، آلبالوی وحشی، تمشک، زالزالک، آزاد، بید، گردو، کیکم، ارس، محلب، بادام کوهی، آویشن، کما، جاشیر، انواع گون، کلاه میرحسن، اسپرس کوهی، شیرخشت لرستانی، لاله واژگون، آلاله، پونه اشترانکوهی، موسیر، درمنه، بومادران، سریش ایرانی، دافنه، جو وحشی، فستوکا، جگن، گاوزبان بدل، هزارخار، شکر تیغال، ریش بز، فرفیون و گل ماهور اشاره کرد.

از جمله پستانداران منطقه حفظ‌شده اشترانکوه می‌توان به کل و بز وحشی، قوچ و میش وحشی، پلنگ ایرانی، خرس قهوه‌ای، کفتار، گرگ، گربه وحشی، گربه جنگلی، گورکن، سمور سنگی، زرده بر، قاقم، شغال، روباه معمولی، سمور آبی، ول برفی، سنجاب ایرانی، سنجاب درختی، گراز، جرد، جوجه تیغی، خارپشت، سیاهگوش، خفاش نعل اسبی مدیترانه‌ای، خفاش بال سفید و خرگوش اشاره کرد.

هما، عقاب شاهی، عقاب طلایی، دال، کرکس مصری، بالابان، شاهین، کوکو، انواع کبک، تیهو، جی جاق، کبوتر چاهی، کبوتر جنگلی، شبگرد معمولی، شاه بوف، جغد جنگلی، دارکوب سبز، دارکوب سوری، چلچله کوهی، دم جنبانک زرد، صعوه کوهی، صعوه ابرو سفید، چکچک گوش سیاه، چکچک دم سرخ، طرقة کوهی، طرقة بنفش، توکای سیاه، سسک، مگس گیر راه‌راه، چرخ ریسک پشت بلوطی، چرخ ریسک بزرگ، چرخ ریسک سر آبی، کمرکولی جنگلی، کمرکولی کوچک، کمرکولی بزرگ، زردپره مزرعه، زردپره کوهی، زردپره سرسیاه، سهره صورتی، سهره خاکی، سهره طلایی، گنجشک برفی، گنجشک سینه سیاه، کلاغ نوک سرخ، کلاغ نوک زرد، غراب، زاغی و کلاغ سیاه از جمله پرندگان این منطقه هستند.

گرزه مار، مار چلیپر، مار پلنگی، افعی شاخدار، مار قیطانی، آگامای قفقازی، آگامای صخره‌ای پولک درشت، اسکینک علفزار طلایی، اسکینک مارچشم آسیایی، سوسمار زاگرس، سوسمار سبز، گکوی کوتوله راه‌راه، لاک پشت مهمیزدار، لاک پشت برکه‌ای، بزمجه بیابانی، جکوی پلنگی غربی، قورباغه مردابی، قورباغه درختی، وزغ لرستانی، قورباغه قفقازی، قزل‌آلای رنگین کمان، قزل‌آلای خال قرمز، سیاه ماهی و زرده پر نیز از جمله خزندگان و دوزیستان این منطقه هستند (اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان لرستان، ۱۴۰۱).

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش دو روستای دره‌اسپر و درب آستانه در فاصله حدود ۱۵ کیلومتری شهرستان دورود و ۱۰۰ کیلومتری شهرستان خرم‌آباد، می‌باشند. مساحت سامان عرفی روستای دره‌اسپر ۳۵۶۹ هکتار و مساحت سامان عرفی روستای درب آستانه نیز ۱۸۱۰ هکتار می‌باشد. دو روستای مذکور در منطقه‌ای کوهستانی و در دامنه کوه قرار گرفته‌اند.



شکل ۳- موقعیت جغرافیایی دو روستای درب آستانه و دره‌اسپر در بخش مرکزی شهرستان دورود (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱)

پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی و از نوع قوم‌نگاری بوده برای جمع‌آوری داده‌ها از مشاهده مستقیم و مشارکتی و مصاحبه نیمه سازمان‌یافته و آزاد به صورت انفرادی و گروهی استفاده شد. برای انجام مصاحبه‌ها از نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شده است. برای اطمینان از روایی و پایایی تحقیق، داده‌ها هر روز پس از جمع‌آوری دسته‌بندی می‌شدند. اطلاعات دسته‌بندی‌شده با برخی افراد آگاه روستا در میان گذاشته می‌شد تا درستی یا نادرستی اطلاعات مشخص شود و در صورت ابهام و عدم تأیید داده‌ها، با پرسش و جستجوی بیشتر مشکلات رفع گردد. در کل تعداد ۵۴ مصاحبه فردی و ۸ مصاحبه گروهی با ۱۰۴ نفر اطلاع‌رسان صورت گرفت. اطلاعات بیشتری از مصاحبه‌ها در جدول ۱ وجود دارد.

جدول ۱- ویژگی‌های مصاحبه‌های انجام‌شده در منطقه پژوهش

تعداد مصاحبه‌ها	مصاحبه‌های فردی	شکارچی‌ها	محیط‌بان‌ها	باغدارها	کشاورزها	دامدارها	زنبوردارها	خانه‌دارها	جمع
		۶	۴	۳	۱۵	۱۰	۱	۱۵	۵۴
مصاحبه‌های گروهی	مختلط	زنان	مردان	جمع					
	۳ (۶-۸ نفره)	۳ (۳-۸ نفره)	۲ (۵ نفره)	۸					
تعداد اطلاع‌رسان‌ها	شکارچی‌ها	محیط‌بان‌ها	باغدارها	کشاورزها	دامدارها	زنبوردارها	خانه‌دارها	جمع	
	۵	۳	۱۳	۲۷	۲۵	۱	۳۰	۱۰۴	

در ادامه یافته‌های قوم‌جانورشناسی مرتبط با سه گونه جانوری کبک، جوجه تیغی و خرس توصیف شده است.

کبک معمولی از پرندگان منطقه است. بر اساس اطلاعات اطلاع‌رسانان، کبک معمولی جثه‌ای کوچک و ظریف‌تر از کبک دری دارد. این پرنده در مناطق سنگی و صخره‌ای و در ارتفاعات زیست می‌کند. کبک‌ها اکثر اوقات در سایه درختان، درختچه‌ها و بوته‌ها یا در زیر تخته‌سنگ‌ها آشیانه برپا می‌کنند. در اکثر اوقات لانه ساخته شده در نزدیکی یک چشمه قرار دارد. این پرنده برای لانه‌گزینی به‌ویژه در زمان تخم‌گذاری به نحوه تابش آفتاب توجه شایانی دارد. به همین دلیل برای ساخت آشیانه مکان‌های گرم را انتخاب می‌کند که دامنه‌های روبه آفتاب هستند.

جوجه کبک‌ها به محض بیرون آمدن از تخم می‌توانند حرکت کرده و اطراف را مشاهده کنند. این پرنده در دسته‌های حدود ۱۵ بال مشاهده می‌شود. در هر یک از این دسته‌ها یک کبک نر به‌عنوان سردسته وجود دارد. کبک سردسته چاق و تقریباً درشت‌هیکل و عملاً قوی‌ترین پرنده دسته است و وظیفه دارد از جوجه‌ها مراقبت و محافظت نماید. یکی از ویژگی‌های کبک سردسته برای مدیریت جوجه‌ها، آواز سردادن می‌باشد. به‌طور کلی کبک پرنده‌ای شجاع، جسور و باهوش و هنگام خطر برای رهایی جوجه‌ها تلاش بسیار زیادی می‌کند.

این پرنده لانه خود را روی زمین بر پا می‌کند. حین ساخت لانه خار و خاشاک و خاک را به کمک پا جابجا می‌کند تا مکان مناسبی برای تخم‌گذاری و استراحت روی تخم‌ها ایجاد کند. بر اساس مشاهدات مردم محلی، کبک‌ها هنگام طلوع خورشید دسته‌جمعی برای نوشیدن آب اقدام می‌کنند. اما با هم روی چشمه حاضر نمی‌شوند ابتدا دو یا سه پرنده حاضر شده و آب می‌نوشند و با تولید صدا دیگر پرنده‌ها را متوجه امنیت آبشخور کرده و هر کدام از جهتی متفاوت برای نوشیدن آب حاضر می‌شوند. پس از نوشیدن آب پرندگان به صورت دسته‌جمعی مشغول خاک‌بازی و تمیز کردن پر و بال خود می‌شوند.

روش‌های شکار کبک در میان مردم محلی سه نوع بوده که در زیر به آن‌ها اشاره شده است.

- روش دُم زدن

- روش کوکله^۱ (کله بستن)

- روش دِی جومه^۲ یا دیوجامه

1. ko kole
2. day jome



شکل ۴- کبک و لانه (عکس از اهالی روستای دره‌اسپیر)

دم زدن نوعی شکار است که در آن می‌توان پرنده را زنده‌گیری کرد. این روش مختص شکار پرنده‌گانی است که بر روی زمین لانه می‌گزینند. در این روش نیاز به حضور دائم شکارچی نیست بنابراین آسان است. ابزار مورد نیاز برای شکار کبک به این روش شامل ۳۰ یا ۴۰ سانتی‌متر موی دم‌اسب و یک سنگ بزرگ است. در این روش با هر بار تله گذاری فقط یک پرنده را می‌توان شکار کرد.

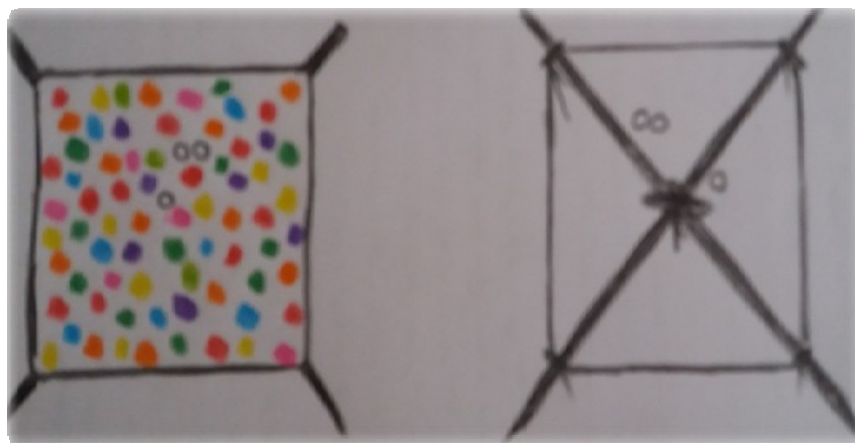
شکار به شیوه کوکله یا کله بستن نیاز به ساخت کمینگاه کوچکی در نزدیکی آبشخور پرندگان دارد.

این روش برای شکار پرندگان در فصول گرم سال مناسب‌تر است. زیرا در این ایام به دلیل کاهش تعداد چشمه‌ها و آبشخورها تعداد زیادی کبک برای نوشیدن آب در یک

محل تجمع می‌یابند به همین دلیل تعداد بیشتری کبک را می‌توان شکار کرد. کمینگاه را می‌بایست در فاصله تقریبی ۴۰ یا ۵۰ متری از آبشخور برپا کرد. پس از سنگ‌چینی لازم است کمینگاه را به وسیله خار و خاشاک موجود در منطقه به خوبی استتار کرد. شکارچی تأمل می‌کند تا تعداد بیشتری پرنده به تدریج روی آبشخور حاضر شوند و سپس اقدام به شلیک و شکار می‌کند. گزارش یک شکارچی در خصوص شکار به این روش به شرح زیر است.

"در این زمان کبک‌ها با هم روی چشمه حاضر نمی‌شوند ابتدا یکی یکی و سپس دو تا دو تا می‌آیند و صدایی شبیه به صدای مرغ از خود تولید می‌کنند با این صدا به دیگر کبک‌ها اعلام امنیت برای حضور در چشمه می‌کنند از طرفی همه کبک‌ها از یک جهت به چشمه نزدیک نمی‌شوند بلکه از جهات مختلف خود را به آب می‌رسانند".

روش دیگر برای شکار کبک استفاده از دیوجامه است. این ابزار شکار با همکاری زنان تهیه می‌شود. دوخت و دوز این وسیله به عهده زنان است و مردان پس از نصب چوب‌ها روی پارچه می‌توانند با استفاده از آن اقدام به شکار نمایند. برای تهیه این ابزار شکار از یک پارچه سفید تقریباً یک متری استفاده کرده و پارچه‌های متعدد در رنگ‌های مختلف را روی آن می‌دوزند. هر میزان تنوع رنگ در پارچه‌های دوخته شده بیشتر باشد کبک‌ها بیشتر جذب خواهند شد. وقتی شکارچی با دی‌جومه در محلی که کبک‌ها حضور دارند حاضر می‌شود دی‌جومه را مقابل خود گرفته و آرام به کبک‌ها نزدیک می‌شود، پرنده‌ها با دیدن رنگ‌های متنوع روی پارچه به وجد آمده و بیش‌ازپیش به آن نزدیک می‌شوند، در بهترین فرصت شکارچی پایه‌های دیوجامه را در زمین فرو کرده و شلیک می‌کند در صورتی که مسیر مناسبی برای شلیک گلوله خود انتخاب کرده باشد می‌تواند چند کبک را هم‌زمان شکار کند.

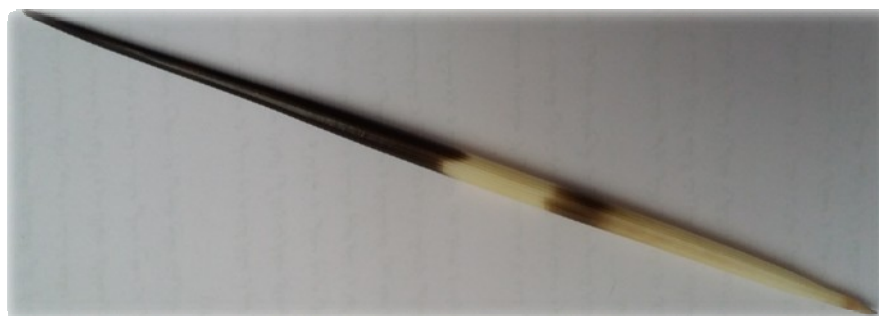


شکل ۵- دیوجامه (طرح: نگارنده)

دشمنان کبک در منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه علاوه بر گرگ، روباه و شغال، انسان است. انسان‌ها به طرق مختلف اقدام به شکار این پرنده می‌کنند. هرچند جمعیت این پرنده طی پانزده سال گذشته کاهش چشمگیری داشته است، اما همچنان شکار آن توسط انسان ادامه دارد. مردم محلی منطقه اشترانکوه برخی از اندام‌های این پرنده را جهت درمان برخی بیماری‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند. برای درمان سنگ کلیه و به‌طور کلی درمان بیماری‌های کلیوی از سنگدان کبک بهره می‌برند. در زبان محلی سنگدان کبک را توتر^۱ می‌نامند. سنگدان کبک به وسیله یک لایه چربی پوشیده شده است. پس از جدا کردن این لایه چربی و خشک کردن آن به صورت پودر، آن را با ماست میل می‌کنند تا سنگ کلیه دفع شود. علاوه بر آنچه ذکر شد از محتویات کیسه صفرای کبک که در زبان محلی آن را زله^۲ می‌نامند برای بهبود درد چشم استفاده می‌کنند.

-
1. tutar
 2. zale

تشی یکی دیگر از حیواناتی است که در منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه مشاهده می‌شود. محلی‌ها این حیوان را تیرچوله^۱ می‌نامند. چوله در زبان محلی به معنی جوجه‌تیغی است و تیر هم یعنی بزرگ، بنابراین این حیوان را جوجه‌تیغی بزرگ می‌نامند. وزن تشی تقریباً ۱۵ کیلوگرم است. در انتهای بدن این حیوان غده بزرگی شبیه به دنبه گوسفند وجود دارد که مولد بو است. انگشتان تشی کاملاً تفکیک شده و درست شبیه انگشتان انسان به نظر می‌رسند. لانه تشی در عمق زمین قرار دارد و معمولاً سه یا چهار مسیر برای رفت و آمد به آن وجود دارد. این حیوان در طول روز استراحت می‌کند و شب برای تغذیه بیرون می‌آید. انتهای تیغ‌های تشی برخلاف تیغ‌های جوجه‌تیغی قلاب مانند است که در صورت تماس با یک ناحیه از بدن جراحات شدید ایجاد می‌کند.



شکل ۶- تیغ تشی

طبق گفته‌های مردم محلی تشی حیوانی علف‌خوار است. همچنین بسیاری از افراد تشی را در محل تجمع زباله‌ها مشاهده کرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردیم انتهای تیغ این حیوان قلاب مانند است. به دلیل تماس با زباله‌ها و سپس تماس با بدن انسان زخم به وجود آمده عفونی خواهد شد.

دشمنان اصلی تشی در منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه پلنگ و انسان می‌باشند. مردم محلی برای شکار تشی شب‌هنگام اقدام می‌کنند. تشی حیوانی است که با نور زیاد مبهوت نمی‌شود بنابراین نمی‌توان به کمک نورافکن آن را شکار کرد. برخی شکارچیان بومی چشمان این حیوان را در مقابل نور، آبی‌رنگ ذکر کرده‌اند.

گوشت تشی از نظر مردم محلی دارای طبع گرم است و برای درمان و بهبود برخی بیماری‌ها از جمله گلودرد، سرفه، تنگی نفس و به‌طور کلی برای درمان بیماری‌های عفونی بهره می‌برند. همچنین برای درمان کم‌خونی تناول گوشت این حیوان را مفید می‌دانند. طحال این حیوان را برای بهبود دیابت مؤثر می‌دانند. چربی به‌دست‌آمده از بدن تشی را در اثر حرارت به آرامی ذوب کرده و از آن برای درمان درد استخوان به‌صورت موضعی استفاده می‌کنند. گزارش یکی از شکارچیان در ارتباط با درمان به کمک گوشت تشی به شرح زیر است.

"یکی از همسایگانم جانباز شیمیایی بود و به همین علت مبتلا به سرطان خون گشته و بسیار ناخوش احوال بود، من برای او تشی شکار کردم و به او گفتم به طور مرتب از گوشت کباب شده آن میل کند بعد از یک ماه که به پزشک معالج خود در اصفهان مراجعه می‌کند بر اساس نتایج آزمایش‌ها خود متوجه افزایش تعداد گلبول‌های سفید و قرمز خونس می‌شود".

خرس از جمله حیواناتی است که در منطقه اشترانکوه مشاهده می‌شود. خرسی که مردم ساکن در منطقه مشاهده کرده‌اند را عمدتاً خرس قهوه‌ای گویند و اکثر اهالی بر روی رنگ قهوه‌ای اتفاق نظر دارند. اما برخی افراد که عمدتاً شکارچی هستند رنگ پوست این حیوان را سبز لجنی می‌نامند. مردم محلی خرس را حیوانی با قوه بینایی ضعیف و حس بویایی قوی می‌شناسند.

در منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه خرس را می‌توان در مناطق مرتفع و صعب‌العبور یافت. بنابراین خرس را در منطقه تخت کالا و گزرسون و در ارتفاعات بالای آبشار ازنادر می‌توان یافت. بسیاری از عشایر ساکن در منطقه اشترانکوه بیلاق خود را در این مناطق

سپری می‌کنند. عشایر طی ماه‌های اردیبهشت، خرداد و تیر در بیلاق به سر می‌برند. در این مدت بیشترین گزارش‌های مربوط به رویارویی و حمله خرس به انسان و دام ثبت می‌شود. گزارشی که در ارتباط با مشاهده خرس در ارتفاعات بالای آبشار ازنادر به ثبت رسیده به شرح زیر می‌باشد.

"در فروردین یا اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ برای جمع‌آوری موسیر و تلم به ارتفاعات بالای آبشار رفتم، گیاهان موردنظر من در نزدیکی درختی بود که اتفاقاً یک ماده خرس به همراه دو توله‌اش زیر سایه آن استراحت می‌کردند، خرس مادر مرا با دقت مشاهده می‌کرد، من آرام به درخت نزدیک شدم و پس از جمع‌آوری گیاهان محل را ترک کردم بدون این‌که آسیبی از سوی خرس به من برسد."

خرس از نگاه مردم محلی حیوانی همه‌چیزخوار محسوب می‌شود. مردم محلی معتقدند این حیوان تنوع غذایی بالایی دارد و می‌تواند در هر منطقه‌ای به آسانی غذای خود را بیابد. با توجه به این‌که اهالی، خرس را حیوانی همه‌چیزخوار معرفی می‌کردند. برخی افراد بیان می‌کردند بارها خرس را در حال خوردن لاشه برخی حیوانات به‌ویژه گراز مشاهده کرده‌اند. یکی از افراد مورد مصاحبه نقل می‌کرد خرسی دیده که لاشه‌ای که شاید یک گراز بوده را با خود حمل می‌کرده و آن را در قسمتی از کوهستان پس از کندن چاله‌ای دفن کرده و سپس هر روز برای خوردن آن به محل دفن لاشه مراجعت کرده بود.

آن‌ها علت این عمل را دو چیز معرفی کردند. اول آن‌که خرس این کار را می‌کند تا گوشت لاشه زودتر فاسد و نرم شود تا بتواند بهتر از آن تغذیه نماید و دوم این‌که خرس با این کار حجم زیادی از غذا را برای چندین روز نگه‌داری می‌کند. هم‌چنین آن‌ها خرس را در مسیر رودخانه و در حال گرفتن ماهی از آب رودخانه مشاهده کرده بودند. آن‌ها خرس را در حال خوردن میوه درخت زالزالک و ساقه‌های ریواس یافته بودند. خرس ساقه نسبتاً ضخیم ریواس را کنده و می‌خورد. مردم محلی خرس را ساکن مناطق مرتفع می‌دانستند که برای خوردن میوه‌ها و علف‌ها و گیاهان تازه به دامنه‌ها می‌آید. آن‌ها هم‌چنین بیان می‌کردند خرس با تنه زدن به درختانی که کندوی عسل روی آن قرار دارد باعث افتادن کندو شده و عسل را به‌وسیله دستانش لیس می‌زند. هم‌چنین خرس درختانی که زیرپوست آن‌ها موریانه قرار دارد را می‌یابد و با دست یا زبان اقدام به لیسیدن آن‌ها می‌کند.

طبق باور محلی‌ها، حیوانات سعی می‌کنند به ندرت با انسان روبه‌رو شوند. این باور در مورد خرس و پلنگ بسیار بیشتر است. این دو حیوان به انسان آسیب نمی‌رسانند مگر زمانی که متوجه خطری از سوی انسان برای توله‌ها شده یا این که در حال خوردن غذا باشند. در این خصوص افراد محلی گزارش‌های متعددی را ذکر کردند که برخی از آن‌ها به شرح زیر است.

"در یکی از سفرهای خود به طبیعت، کنار چشمه‌ای اُتراق کردیم، پس از چند ساعت متوجه ریزش سنگ از بالای کوه شدیم ابتدا بی‌تفاوت بودیم و ریزش سنگ‌ها را طبیعی قلمداد کردیم پس از مدتی چند سنگ درشت به سوی ما غلطان شد و متوجه ماده خرسی به همراه دو توله‌اش شدیم که ظاهراً برای نوشیدن آب از چشمه آمده بودند و چون خرس مادر حضور ما را خطر تلقی می‌کرد قصد داشت با این کار ما را از چشمه دور کند، ما نیز مکان را ترک کردیم".

اطلاع‌رسان دیگری در ارتباط با این رفتار خرس چنین می‌گفت:

"در ساعات نزدیک به غروب مشغول پیاده‌روی در منطقه بودیم. هوا گرگ‌ومیش بود و محیط اطراف خود را به خوبی نمی‌توانستیم ببینیم در این وضعیت ما متوجه صدایی مهیب شدیم مثل اینکه جسمی سنگین در رودخانه افتاده باشد. به پایین نگاه کردیم. خرسی را دیدیم که در رودخانه شنا می‌کرد! ما متوجه شدیم خرس در همان مسیری که ما در حال پیاده‌روی بودیم حضور داشته و برای این که با ما روبه‌رو نشود خود را به رودخانه انداخته است".

شکار خرس از دیرباز میان عشایر و روستاییان رایج بوده است. هرچند امروزه این کار به علت حفاظت از منطقه و حیات وحش آن کمتر انجام می‌گیرد، اما اگر علت شکار خرس را از آنها جویا شوید پس از آسیب‌هایی که مدعی‌اند برای جان افراد و دام‌هایشان دارد، یکی از علل شکار خرس را خواص درمانی اجزای بدن حیوان می‌دانند. بزرگ‌ترین خاصیت درمانی که در بدن خرس به آن اشاره می‌کنند مربوط به کیسه صفرای این حیوان است.

اهالی معتقدند کیسه صفرای خرس برای درمان انواع سرطان مفید است. بسیاری از عشایر، پیه بدن خرس را ضد ترس و دلهره می‌دانند. افرادی که شب دچار ترس می‌شوند و

یا کلاً قویدل نیستند را پیه خرس می‌خورانند تا بر ترس خود غلبه کنند. در مورد کسانی که بسیار جسور و نترس هستند می‌گویند "پیه خرس خورده، نترس است". مشاهده خرس برای محلی‌ها در ابتدای روز یا هنگامی که قصد انجام کاری دارند خوش‌یمن نیست. این باور به اندازه‌ای است که اگر شکارچیان در ابتدای روز اولین حیوانی که مشاهده می‌کنند خرس باشد از شکار منصرف می‌شوند چون دیدن خرس را برای داشتن یک شکار خوب نحس می‌دانند.

بحث

جوامع مورد مطالعه این تحقیق اهالی دو روستای دره‌اسپر و درب آستانه بودند، از آنجا که این دو روستا در منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه واقع شده‌اند بنابراین اهالی آن‌ها از حیات‌وحش در فرهنگ و سنت خود استفاده‌های فراوان دارند. در مصاحبه‌های انجام‌گرفته، اهالی دو روستای مذکور تعدادی از جانوران وحشی را معرفی نمودند و به بیان سنت‌ها، آداب، عقاید و استفاده‌های مختلف خود از آن‌ها پرداختند. این تحقیق کاربردهای دارویی و درمانی، خوراکی، خرافه‌ای و شکار حیات‌وحش را از جانب مردم محلی مورد بررسی قرار داده است.

طبق نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر می‌توان بیان کرد ساکنان منطقه مورد مطالعه برای درمان بیماری‌هایی از قبیل سرطان، دیابت، چشم‌درد، رفع سنگ کلیه و بیماری‌های عفونی از حیات‌وحش بهره می‌برند. بر این اساس نتایج تحقیق حاضر با نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق بوبو و همکاران (۲۰۱۴) همخوانی دارد. در این پژوهش که در کامرون انجام شده بیشترین دانسته‌های مردم محلی مربوط به پستانداران است و کاربردهای حیات‌وحش در منطقه مورد مطالعه را در چهار دسته درمانی، تغذیه، دکوراسیون و مذهبی جای می‌دهند. نتایج تحقیق واتس و توماس (۲۰۱۵) نشان می‌دهد بیشترین استفاده ساکنان قبیله سوکوما در تانزانیا از حیات‌وحش پیرامون خود برای کاربردهای دارویی و درمانی است. در تحقیق حاضر نیز این امر صدق می‌کند.

کریم (۲۰۰۷) در پژوهش خود به بررسی دانش اکولوژیکی بومی جنگل‌نشینان بنگلادشی درباره هشت گونه پرنده می‌پردازد. او در نتایج خود بیان می‌دارد مردم محلی نسبت به بیشتر گونه‌های پرنده منتخب از دانش خوبی برخوردار بودند، اما عمدتاً پرندگان ارزشمند از نظر جوامع بومی پرندگان بودند که ارزش شکار داشتند. در تحقیق حاضر نیز اهالی دو روستای مورد مطالعه بیشترین اطلاعات و بیشترین ارزش را از میان پرندگان برای کبک قائل بودند چون این پرنده تنها پرنده مورد علاقه اهالی برای شکار بود.

طی این پژوهش ما متوجه نگاه مردم محلی به منابع طبیعی و اجزای آن شدیم و آگاه شدیم مردم محلی به خوبی بر اهمیت حیات وحش واقف هستند. نگاه مثبت و بدون هراس مردم محلی به برخی گونه‌های حیات وحش نظیر خرس نشان‌دهنده اهمیت این منابع در نگاه آنان است. آن‌ها تغییرات جمعیت گونه‌های مختلف جانوران در طول زمان را به خوبی درک می‌کنند. درعین حال آن‌ها برای تأمین برخی نیازهای غذایی و تسکین و درمان بیماری‌های خود یا برقراری امنیت برای حیوانات اهلی و کاهش خسارت زراعت خود حیوانات وحشی را شکار می‌کنند. آن‌ها بر این باور هستند که اجزای بدن جانوران وحشی همانند کیسه صغرا، یا چربی‌های داخلی در درمان بیماری‌های جسمی مانند سنگ کلیه، نفس‌تنگی و کم‌خونی روانی مانند ترس مؤثر هستند.

برای دستیابی به مدیریت پایدار منابع طبیعی و حیات وحش و با کمک و مشارکت اعضای اجتماعات محلی، چه مسیری بهتر از آگاهی‌رسانی دوطرفه و چه ابزاری کامل‌تر از دانش بومی در کنار دانش رسمی؛ چرا که این دو مکمل یکدیگر خواهند بود. مدیریت مشارکتی می‌باید مردم محلی را به‌عنوان ذی‌نفع در مناطق حفاظت‌شده پذیرفته و از تجربیات و دانش آن‌ها برای حفاظت و توسعه هرچه بهتر محیطی که سالیان سال ملجأ آن‌ها بوده استفاده نماید. نیازهای آن‌ها را درک کرده و در صورتی که تأمین آن نیازها از مسیرهای دیگر ممکن است؛ آن‌ها را با روش‌هایی که آسیب کمتری به طبیعت وارد می‌نماید جایگزین کند. با استفاده از دانش سنتی روابط متقابل بین اجزای اکوسیستم را برای مردم محلی توضیح دهد و در صورت لزوم از یافته‌های پژوهش‌های نوین برای آموزش بهره‌بردار.

قوم جانورشناسی دانشی است که پیشینه‌ای برابر با حضور انسان بر روی کره خاکی دارد. بنابراین برای مطالعه و بررسی آن می‌بایست تمام ابعاد ارتباطی میان انسان و جانوران را مورد مطالعه قرار داد. در واقع در این حوزه می‌بایست به بررسی اثرات ناشی از روابط میان انسان و جانوران بر فرهنگ، اجتماع و اقتصاد پرداخت. بررسی قوم جانورشناسی به ما این امکان را می‌دهد تا متوجه افکار و عقاید مردم محلی در خصوص حیات وحش پیرامون آن‌ها شده و به اهمیت جانوران وحشی و اهلی و نقش آن‌ها در زندگی آنان پی ببریم. در واقع قوم جانورشناسی به ما کمک می‌کند اعتقادات، آیین‌ها، آداب و رسوم و باورهای مردم محلی را در خصوص حیات وحش پیرامونشان بهتر و بیشتر شناخته و درک کنیم.

با شناخت باورها و اعتقادات مردم محلی در مورد حیات وحش پیرامونشان می‌توان متوجه همپوشانی‌های موجود میان جوامع انسانی و جانوری در زیستگاه، قلمرو و تأمین مواد غذایی آن‌ها شد. در نتیجه شناخت این همپوشانی‌ها است که می‌توان بهترین راهبردهای مدیریتی و حفاظتی را برای منطقه موردنظر و منابع طبیعی آن به کار گرفت. نکته مهم دیگر در خصوص شناخت بینش و باورهای مردم محلی در مورد حیات وحش و انواع استفاده‌های آن‌ها از جانوران پیرامون خود این است که می‌توان برحسب این شناخت و دانش به دست آمده از مردم محلی برای محافظت و مراقبت از تنوع زیستی بیشترین کمک و راهنمایی را دریافت کرد.

علاوه بر این، مطالعه قوم جانورشناسی موجب ادغام دانش سنتی ساکنان این مناطق با دانش آکادمیک مدیران شده، در نتیجه چنین ادغامی می‌توان راهبردهای بهتری برای مدیریت این مناطق اتخاذ کرد و در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به منطقه حفاظت شده از مشارکت حداکثری ساکنان بهره‌مند شد. به‌طور کلی با توجه به اهمیت حیوانات در کمک به بهبود کیفیت زندگی و ارزش متعاقب آن‌ها برای جامعه، قوم جانورشناسی را می‌توان به عنوان یک حوزه علمی اساسی در پژوهش‌های دانش بومی مورد بررسی قرار داد که به بررسی جنبه‌های تاریخی، اقتصادی، جامعه‌شناختی، مردم‌شناسی و محیط‌زیستی روابط انسان و حیوانات می‌پردازد.

منابع

- ابراهیمی، پیام و سلیمی کوچی، جمیله. (۱۳۹۶)، «نقش دانش بومی در توسعه پایدار منابع آب‌وخاک روستایی (مطالعه موردی: روستای قصاب ذالکان، شهرستان بابل)»، علوم و مهندسی آب‌خیزداری ایران، سال یازدهم، شماره ۳۹: ۴۸-۳۹.
- اداره کل حفاظت محیط‌زیست استان لرستان. (۱۴۰۱)، مناطق حفاظت‌شده استان لرستان: منطقه حفاظت‌شده اشترانکوه، قابل دسترس در: <https://lorestan.doe.ir/portal/home/?158301> (آخرین دسترسی ۱۴۰۱/۴/۷)
- امیری اردکانی، محمد و شاه ولی، منصور. (۱۳۸۳)، مبانی، مفاهیم و مطالعات دانش بومی کشاورزی، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.
- بارانی، حسین و شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۳)، «فرهنگ و دانش عامیانه (مطالعه موردی: شیوه‌های سنتی و دانش بومی شترداری)»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۱: ۱۵۰-۱۸۰.
- بازگیر، احمد؛ نمیرانیان، منوچهر و عوافقی همت، محمد. (۱۳۹۴)، «گیاه مردم‌نگاری برودار در منطقه کاکاشرف شهرستان خرم‌آباد»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال دوم، شماره ۳: ۱۸۵-۲۲۸.
- بوزرجمهری، خدیجه و رکن‌الدین افتخاری، علیرضا. (۱۳۸۴)، «تحلیل جایگاه دانش بومی در توسعه پایدار روستایی»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال اول، شماره ۹: ۱۷-۴۵.
- بهمن بیگی، محمد. (۱۳۸۹)، بخارای من ایل من، شیراز: انتشارات نوید شیراز.
- پناهی، مهین. (۱۳۸۳)، «پژوهشی درباره روابط با حیوانات در عرفان عملی عارفان»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۶: ۴۱-۶۷.
- جمعه پور، محمود. (۱۳۹۳)، «بومی‌سازی در عرصه توسعه روستایی و نقش دانش بومی در فرایند آن»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۲: ۵۰-۷۹.
- حسین زاده، عسگر؛ حیدری، قدرت‌اله؛ بارانی، حسین و زندی اصفهان، احسان. (۱۳۹۵)، «نقش واژگان تخصصی شبانی در حفاظت پایدار و بهره‌برداری مراتع»، نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی، سال پنجم، شماره ۱: ۱-۱۶.

مقدمه‌ای بر قوم‌جانورشناسی به عنوان بخشی از دانش، ... لیریائی و همکاران | ۳۳۹

- حیدری، قدرت اله و سعیدی‌گراغانی، حمیدرضا. (۱۳۹۴)، «بررسی دانش بومی خبرگان عشایر نیمه کوچنده البرز شمالی (مطالعه موردی: مراتع ییلاقی دامنه جنوبی کوه دماوند)»، تحقیقات مرتع و بیابان ایران، سال بیست و دوم، شماره ۲: ۳۱۹-۳۲۹.

- خالقی، باقر؛ عوافی همت، محمد؛ شامخی، تقی و شیروانی، انوشیروان. (۱۳۹۴)، «دانش اکولوژیک سنتی مردم محلی از خواص دارویی گیاهان علفی و بوته‌ای در حوزه ایلگنه چای ارسباران»، فصلنامه دانش‌های بومی ایران، سال دوم، شماره ۴: ۲۳۶-۲۰۵.

- ذیلابی، نگار؛ موسوی، سید جمال و شیخ احمدی، بیان. (۱۳۹۶)، «کاربرد نقش شیر در نشان‌های مصور تشکیلات مصر مملوکی»، پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی، دوره پنجاهم، شماره ۲: ۱۸۳-۲۰۸.

- رایگانی، ابراهیم. (۱۳۹۷)، «بررسی جنبه‌های مردم‌شناختی مار در فرهنگ کهگیلویه و بویراحمد (جنوب غرب ایران)»، نامه انسان‌شناسی، دوره پانزدهم، شماره ۲۶: ۴۹-۷۱.

- صابری، امیر و کرمی دهکردی، اسماعیل. (۱۳۹۳)، «مقایسه فرهنگ و دانش بومی با دانش رسمی در حوزه آبخیزداری»، فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دوره اول، شماره ۱: ۱۸۱-۲۰۳.

- صادقلو، طاهره و عزیزی‌دمیرچیلو، عبدالله. (۱۳۹۴)، «ارزیابی میزان تأثیرگذاری دانش بومی بر پایداری توسعه کشاورزی (مطالعه موردی: روستاهای دهستان گوگ تپه، شهرستان ییله‌سوار)»، پژوهش‌های روستایی، دوره ششم، شماره ۲: ۳۸۹-۴۱۰.

- ظل‌السلطان، مسعود میرزا. (۱۳۶۸)، تاریخ سرگذشت مسعودی: خاطرات ظل‌السلطان، به کوشش حسین خدیو جم، تهران: نشر اساطیر.

- عرف‌پور، زینه. (۱۳۹۸)، «کارکرد برخی حیوانات در ضرب‌المثل‌های عربی و فارسی»، دو فصلنامه علمی کهن‌نامه ادب پارسی، دوره ۲۸، شماره ۱: ۲۹-۱.

- عمادی، محمدحسین و عباسی، اسفندیار. (۱۳۷۸)، حکمت دیرین در عصر نوین: کاربرد دانش بومی در توسعه پایدار، مبانی، مفاهیم و باورهای حاکم، تهران: سلسله انتشارات روستا و توسعه.

- عوافی همت، محمد و شامخی، تقی. (۱۳۸۵)، «دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی مردم جنگل نشین در استفاده از برخی محصولات غیرچوبی قابل رویش در جنگل (مطالعه موردی روستای چیتن)»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۳، شماره ۳۵ و ۳۴: ۱۴۹-۱۷۹.

- فراشی، آریتا؛ کابلی، محمد؛ رحیمیان، حسن؛ رضایی، حمیدرضا و نقوی، محمدرضا. (۱۳۹۴)، «انتخاب زیستگاه مناسب برای انتقال ماهی کور ایرانی»، محیط‌زیست طبیعی، منابع طبیعی ایران، دوره ۶۸، شماره ۳: ۴۴۳-۴۵۹.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۷۳)، «کبوترخانه‌های ایران، درهم‌آمیزی زیبایی و کارایی»، مجله علمی معماری و شهرسازی، دوره ۴-۲-۱، شماره ۲: ۶۶-۷۷.

- فرهادی، مرتضی. (۱۳۹۳)، «مردم‌نگاری دانش‌ها و فناوری‌های سنتی: نان شب مردم نگاران ایران»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دوره اول، شماره ۲: ۱-۴۹.

- گیرتز، کلیفور، (۱۳۹۴)، بازی عمیق: یادداشت‌هایی پیرامون جنگ خروس در بالی، ترجمه هادی علایی. قابل دسترس در:

<https://anthropologyandculture.com/> (آخرین دسترسی ۱۴۰۱/۴/۷)

- مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱)، نقشه تقسیمات کشور سال ۱۳۹۵، قابل دسترس در:

<https://www.amar.org.ir/portals/0/deh95/1505020001.pdf>

- مکرری، محمد. (۱۳۶۱)، فرهنگ نام‌های پرنندگان در لهجه‌های غرب ایران و تطبیق آن با نام‌های فارسی و لهجه‌های دیگر محلی ایران، تهران: امیرکبیر.

- موسوی، سیده‌اشم. (۱۳۹۴)، «ماکیان داری و ارتباط آن با نهادهای اجتماعی در جامعه روستایی گیلان»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال نهم، شماره ۴: ۶۱-۸۳.

- نسوی، ابوالحسن علی ابن احمد. (۱۳۵۴)، بازنامه با مقدمه‌ای در صید و آداب آن تا قرن هفتم، نگارش و تصحیح: علی غروی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.

- Alonso-Castro, Angel Josabad. (2014). "Use of medicinal fauna in Mexican traditional medicine". *Journal of Ethnopharmacology*, 152(1): 53-70.
- Alves, Romulo R N. (2012). "Relationships between fauna and people and the role of ethnozoology in animal conservation". *Journal of Ethnobiology and Conservation*, 12, 1-69.
- Alves, Romulo R N., and Ulysses Paulino de Albuquerque. (2017). *Ethnozoology: Animals in our lives*. Elsevier Science.
- Alves, Romulo R N., and Wedson Medeiros Silva Souto. (2015). "Ethnozoology: A Brief Introduction". *Journal of Ethnobiology and Conservation*, 4, 1-13.

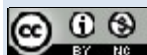
- Bobo, Kadiri Serge, Fodjou Florence Mariam Aghomo, and Bonito Chia Ntumwel. (2014). "Wildlife use and the role of taboos in the conservation of wildlife around the Nkwende Hills Forest Reserve; South-west Cameroon". *Journal of ethnobiology and ethnomedicine*, 11(2), 1-23.
- De Melo, Robson Soares, Olga Camila da Silva, Antonio Souto, Rômulo Romeu Nóbrega Alves, and Nicola Schiel. 2014. "The role of mammals in local communities living in conservation areas in the Northeast of Brazil: an ethnozoological approach". *Journal of Tropical Conservation Science*, 7(3), 423-439.
- Dhakal, Prerna, Basundhara Chettri, Sonamit Lepcha, and Bhoj Kumar Acharya. (2019). "Rich yet undocumented ethnozoological practices of socio-culturally diverse indigenous communities of Sikkim Himalaya, India". *Journal of Ethnopharmacology*, 249, 1-40.
- Ferreira, Felipe S., Samuel V. Brito, Samuel C. Ribeiro, Waltécio O. Almeida, and Rômulo R N. Alves, (2009). "Zootheapeutics utilized by residents of the community Poço Dantas, Crato-CE, Brazil". *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, 5, 1-10
- Ferreira, Felipe S., Samuel V. Brito, Samuel C. Ribeiro, Antônio A F. Saraiva, Waltécio O. Almeida, and Rômulo R N. Alves. (2009). "Animal-based folk remedies sold in public markets in Crato and Juazeiro do Norte, Ceara, Brazil". *BMC Complementary and Alternative Medicine*, 9(1), 1-8
- Garibaldi, Ann, and Nancy Turner. (2004). "Cultural Keystone Species: Implications for Ecological Conservation and Restoration". *Ecology and Society*, 9(3), 1-18.
- Martin, Gary J. (2001). "Ethnobiology and Ethnoecology". *Encyclopedia of Biodiversity*, 2, 319-328.
- De Melo, Robson Soares, Olga Camila da Silva, Antonio Souto, Rômulo Romeu Nóbrega Alves, and Nicola Schiel. 2014. "The role of mammals in local communities living in conservation areas in the Northeast of Brazil: an ethnozoological approach". *Journal of Tropical Conservation Science*, 7(3), 423-439.
- Mmassy, Emmanuel Clamsen, and Eivin Røskft. (2013). "Knowledge of birds of conservation interest among the people living close to protected areas in Serengeti, northern Tanzania". *International journal of biodiversity science, ecosystem services and management*, 9(2), 114-122.
- Oliveira, S. Eduardo, Denise F. Torres, Sharon E. Brooks, and Romulo R N. Alves. (2010). "The medicinal animal markets in the metropolitan region of Natal City, northeastern Brazil". *Journal of Ethnopharmacology*, 130(1), 54-60.

- Rahman, Inayat U., Aftab Afzal, Zafar Iqbal, Farhana Ijaz, Niaz Ali, Muzammil Shah, Sana Ullah, and Rainer W. Bussmann. (2019). "Historical perspectives of Ethnobotany". *Journal of clinics in Dermatology*, 37(4), 382-388.
- Sillitoe, Paul. (2006). "Ethnobiology and Applied Anthropology: Rapprochement of the Academic with the Practical". *Journal of the Royal Anthropological Institute*, 12, S119-S142.
- Vats, Rajeev, and Simion Thomas. (2015). "Study on use of animals as traditional medicine by Sukuma tribe of Busega district in north-western Tanzania". *Journal of ethnobiology and ethnomedicine*, 11, 1-11.
- Williams, Vivienne Linda, and Martin John Whiting. (2016). "Picture of health? Animal use and the Faraday traditional medicine market, South Africa". *Journal of Ethnopharmacology*, 179, 265-273.

راویان

- خادمی، غلام، کشاورز و نگهبان خانه بهداشت، درب آستانه، دورود، لرستان، ۱۳۹۷
- رضا، کشاورز و زنبوردار، درب آستانه، دورود، لرستان، ۱۳۹۷
- زینب، خانه‌دار، درب آستانه، دورود، لرستان، ۱۳۹۷
- سالاروند، دامدار، دره اسپر، دورود، لرستان، ۱۳۹۷
- علی، کشاورز، دره اسپر، دورود، لرستان، ۱۳۹۷
- محمدی، محمود، محیط‌بان، دورود، لرستان، ۱۳۹۷
- احسان، شکارچی، دورود، لرستان، ۱۳۹۷

استناد به این مقاله: لیریائی، لایلا؛ عوافقی همت، محمد و جهانی، علی. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر قوم‌جانورشناسی به عنوان بخشی از دانش سنتی با نمونه‌هایی از دانش قوم جانورشناسی ساکنان منطقه حفاظت شده اشترانکوه در استان لرستان. دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، ۸(۱۶)، ۲۹۷-۳۴۲.



Indigenous Knowledge Iran Semiannual Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.